

شماره ۵ علیه بیکاری

نشریه کمیته ایجاد ((اتحاد کارگری علیه بیکاری)) دی ۱۳۵۹: ۳ ریال

دروغ و مصلحت آمیزی به از راست فتنه انگیز!

بین ارسه ماه از روی کار آمدن کابینه رجایی می گذرد و ما اگرچه با کمی تاخیر می خواهیم بپینیم این کابینه برای بیکاران چه کاری انجام داده و یا قصد دارد که انجام بدهد؟ می خواهیم ببینیم که آیا اگر کابینه لیبرالها برای ما کاری انجام نداده، می توانیم به کابینه "مکتبها" امیدوار باشیم؟ و با اینکه نه، خانه از برای بست و بران است و قتیته بر سر این یا آن کابینه، این یا آن نخست وزیر، این و یا آن وزیر... نیست و ما کارگران نباید به هیچ دولتی در رژیم - جمهوری اسلامی دلخوش کنیم و به قول معروف از "ما مزا ده" - یعنی رژیم جمهوری اسلامی با هر رژیم سرمایه

سرمقاله

اتحاد کارگری علیه بیکاری چه میتواند بکند؟

دیگرفوت آن رسیده است که کمی راجع به خود "اتحاد کارگری علیه بیکاری" صحبت کنیم تا خوانندگان هم بدانند که "کمیته ایجاد" برای چگونه سازمانی اینهمه تلاش میکند. ما با عمو بارها از اینکه تشکیل چنین سازمانی چه محاسنی دارد سخن گشایم. اما اینبار می خواهیم بدانیم که "اتحاد کارگری علیه بیکاری" از چه ظرفی می تواند به هدف ماصلی خود یعنی تامین معیشت کارگران بیکار و خانواده های آنان دست یابد. مگر "اتحاد کارگری علیه بیکاری" حق دریا سند بیکار کارگری، پروژه ای آباد آن یا مثلا "شورای سراسری ثانویه و شوراهای بیکاران و غیره فرق دارد که باید اینهمه برای ایجاد شرمسارزه کرد؟ عمده تفاوت در این است که "اتحاد کارگری علیه بیکاری" یک سازمان کارگری است و اتحادی است از کارگران شاغل و بیکار، نه فقط بیکاران.

اگر "اتحاد کارگری علیه بیکاری" آشنان که باید اتحادی از کارگران شاغل و بیکار باشد و در عین حال از حمایت سازمانهای کارگری بهره مند گردد، دارای چنان توانائی هائمی خواهد بود که تاکنون هیچ سازمان کارگری به آن دست نیافته است.

در صفحات دیگر

- ◆ ممنوعیت اعتصاب و تظاهرات، باسخر د و لست رجائی به کارگران بندر خونین شهر!
- ◆ مبارزه علیه بیکاری در روسیه - موزون
- ◆ گزارشی از "شورای بیکاران شیراز" و جنبشی یا فعالیین آن
- ◆ عوامفریبی رژیم در مورد چاره جوئی برای بیکاری و اخطار به زحمتکشان د کددار
- ◆ اخراج و مبارزه کارگران
- ◆ حیلله های سرمایه داران و دولت سرمایه داری برای بالا بردن سود سرمایه ها!
- ◆ از مبارزه معلمان اخراجی حمایت کنیم!
- ◆ اخراج انقلابی عنصر ضد کارگر کارخانه "خریبا"
- ◆ اخبار بحران و بیکاری در جهان

← ۲

پیش بسوی "اتحاد کارگری علیه بیکاری"!

بقیه سرمقاله از صفحه ۱

از سوی دیگر باید توجه داشت که هدف "اتحاد کارگری علیه بیکاری" این نیست که آنچه را تاکنون بطور خود بخود توسط کارگران انجام میشده است، یعنی پرداختن خرج کارگران بیکار از کسبه کارگران را سازماندهی و منظم کند. بلکه دقیقاً اینست که با اتکا بقدرت کارگران، تامین زندگی کارگران بیکار و خانواده های آنان را بمعده سرمایه داران و دولت آنها بگذارد. این دولت باید صریحاً "از طرف" اتحاد کارگری "اعلام شود."

بدینسان توده های کارگر حقانیت چنین خواستی را تأیید خواهند کرد. حتی سادگانه ترین کارگران، یعنی کارگرانی که هنوز سه "ظرفه ارستضعفین" بودن دولت جمهوری اسلامی باور دارند میشوند و حتی راحت تر از قبیه می توانند خواستار تامین ایمن هزینه از سوی دولت باشند.

"اتحاد کارگری علیه بیکاری" به بهترین نحو میتواند کسوف نهان دولت و سرمایه داران را به خواستها و مطالبات کارگران مسخ کند. چراکه وجود کارگران شاغل در این سازمان و قرار داشتن حربه های برنده مبارزه در دست کارگران شاغل، از قبیل: مصادره محصول کارخانه، امتصاب، اشغال و یا تعطیل کارخانه، کم کاری و... امکاناتی به این سازمان میدهد که کارگران بیکار تاکنون فاقد آن بودند. کارگران بیکار در عرض این ۲ سال بخوبی آموخته اند: متنها وقتی دولت وارد بهانه دادن امتیازاتی میشود که آنها فعلاً در میدان مبارزه حاضر باشند. و خوبی تجربه کرده اند که پس از پایان تحصیلات و راه پیمایی ها و مبتذک های شان تازه خلد عهد ها و نهد را ورین های مسئولین آغاز میشود. ما باید با تشکیل "اتحاد کارگری علیه بیکاری" به حضور فعال خود در میدان مبارزه مادیست بد هم و مسئولین را وارد کشیم که همیشه عکس العمل "اتحاد کارگری علیه بیکاری" را در تصمیم گیری شان بحساب بیاورند. از سوی دیگر حمایت کارگران بیکار که از طریق همین سازمان سازماندهی شده اند، از مبارزات کارگران شاغل در کارخانه ها به آنها هم نیروی ارزانی میدهد که کارگران شاغل فاقد آن بودند.

اند. همانست از اخراج کارگران شاغل توسط "اتحاد کارگری علیه بیکاری" با اتکا نیروی کارگران بیکاری، از کارخانه ایست که این سازمان میتواند بمعده بگیرد. همزمان با اعزام هیئت های پاکسازی دولتی به کارخانه ها "اتحاد کارگری" نیز گردانسی از بیکاران را به کارخانه ها خواهد فرستاد تا معلوم شود چه باکیست و چه کسی باید از کارخانه اخراج شود!

در حال حاضر مشخصاً مشاهده میکنیم که همیشه تکلیف اخراج کارگران مبارز از کارخانه ها را زور آزمائی تعیین میکند

آنجا که کارگران ساکت نشستند هیئت های پاکسازی هر کسی را که خواسته اند اخراج کرده اند. در بعضی موارد زیر فشار کارگران هیئت های پاکسازی جرات صدور حکم - اخراج را پیدا نکردند و گاهی موفق به اجرا حکم نشده اند و عملاً کارگران دوستان مبارز خود را بر روی دست به کارخانه برگردانده اند و در موارد معدودی هم کار به اخراج هیئت پاکسازی انجامیده است.

شعار ما که باید شعار همه کارگران باشد اینست که همه مجمع عمومی کارگران و یا ارگان منتخب آنها (مثلاً شوراهای تنها مرجع رسیدگی به امر اخراج کارگران باید باشد و این کاملاً قابل تصور است که کارگران بیکاری که زیر پوشش اتحاد کارگری علیه بیکاری هستند بعنوان نیروهای مستقل در خدمت این ارگانهای کارگری قرار بگیرند تا احکام صادره از سوی این ارگانها ضمانت اجرایی پر قدرت تری داشته باشد.

اما برتری و قدرت "اتحاد کارگری" در این تأیید نیست، است که به یمن برخورداری از پشتیبانی شانلان، آنکه دولت و سرمایه داران از پذیرش خواستهای کارگران سر باز زنند این سازمان میتواند خود مستقیماً در جهت تحقق آن خواسته ها گام بسازد.

یکی از مطالبات "اتحاد کارگری" عرضه خدمات مجانی به بیکاران و خانواده های آنانست. یعنی "اتحاد کارگری علیه بیکاری" از دولت میخواهد که از کارگران بیکار، که "اتحاد کارگری" هویت آنها را تشخیص میدهد بابت آب و برق، پلیس، اتوبوس و... هیچ پولی نستاند. "اتحاد کارگری" بغیر از راههای مبارزه ای که بیکاران تاکنون در اختیار داشته اند، این امکان را نیز خواهد داشت که در صورت عدم پذیرفته شدن خواستش از سوی دولت فرضاً با همکاری کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد ترتیبی بدهد که کارگران واحد از کارگرانی که کارت "اتحاد کارگری" را دارند پلیس بگیرند. یا کارگران توانیر ترتیبی بدهد که شرکت آب و برق منطفه ای نتواند عملاً پولی از بیکاران دریافت کند و قس علیهذا... و آنزمان که کارگران واحد یا توانیر به این خاطر تحت فشار قرار گرفتند لشکر بیکاران را به کمک آنها گسیل کند...

خواست دیگر همه کارگران "بیمه بیکاری" است که متأسفانه تاکنون فقط کارگران بیکار برای آن مبارزه کرده اند. تجربه مبارزات بیکاران نشان داده است که با نیروی کم و مبارزات نسبتاً ناچیز و ناپذیری که کارگران در دو سال پیش انجام

منوعیت اعتصاب و تظاهرات پاسخ دولت رجایی به کارگران بندرخونین شهر

روز دوشنبه ۱۰/۱/۵۹ کارگران بندرخونین شهر در حالی که شعار میدادند:

رجائی، رجائی، حقوق کارگر بده
رجائی، کجائی؟ جواب کارگر بده

حقوق کارگران خونین شهر برداخت باید گردد
و.....

با پلاکارد مکهبروش نوشته بود "حقوق کارگران برداخت باید گردد" در خیابانهای تهران براه افتادند. حدود هزار نفر بیکار و آواره جنگ خسته و کرسنه ولی در صفوفی منظم ابتدائی ترین حقوق خود یعنی حق زندگی و مسکن را فریاد میزدند.

خیابانهای تهران از صبح تا غروب آفتاب از نخست وزیر تا وزارت کار، از وزارت کار بطرف جماران شاهد چهره های خشمگین و شعارهای محکم کارگران بود. خشمگین از خیرات و حشیا نه جنگ و محکم در راه بدست آوردن حقوق خود. کارگران بندر به خیابان آمدند تا نشان بدهند که دیگر نباید تسلیم عوامفریبی ها، نیرنگها و قول و قرارهای آسمانی و زمینی دولتیان شد. دیگر نمیتوان استعمار و حشیا نه و زندگی فلاکتبار را تحمل کرد. نمی توان با سکوت به هر سرشوشت خفت باری که رژیم سرمایه داران بر ایمان رقم میزند تن در داد.

اکنون دیگر واقعیات خشن جامعه سرمایه داری، بیکاری بودن، کرسنه ماندن، آواره گشتن و... هر چه بیشتر چهره گریه خود را نشان میدهند و ما را برای مبارزه با خود فرامیخوانند و کارگران بندر به خیابانها آمدند تا به همه آثانی که نمسی... دانند بگویند که:

"سرمایه داران تمامی دفترود دستگاههای خود را از نخست وزیری و وزارت کار گرفته تا وکیل و وزیرشان برای آن دارند که بتوانند از کارمان سودهای کلان خود را بدست آورند. و آن زمان که کار به پایان میرسد، سود کمپیا قطع می شود "قانونا" بیکارمان کنند، سرگردانمان کنند. تا برایشان بره های ساکتی باشیم که به هر خفتی تن بدهیم.

اما ما این سرشوشت اجباری را تحمل نخواهیم کرد. بیره های سربراه نخواهیم بود. به خیابانها می آیم تا نشان بدهیم که برای بدست آوردن حقوقمان برای رهائی از فلاکت و درسدی باید خودمان قدمها را به جلو بگذاریم.

چند نفر از کارگران با خود دو سه شمایل از بنی صدر و خمینی

حمل میکردند. شمایل هائی که کاملاً معلوم بود بیش از آنکه نشان دهنده اعتماد کارگران باشد مجوز را هییمائی آنان است که خود خبر از اندک اعتقاد گنگ و کورکورانه به ایند و میداد. کارگران، یکپارچه فریاد میزدند:

رجائی، کجائی؟ جواب کارگر بده

اما وزیر اعظم به گوشهائی گریخته است. از ترس تبلور قدرت کارگران و افشاگریهایشان، از ترس پاسخگویی رودر رو و آشکار به کارگران، سوراخ موشی را به قیمت کزاف طلب میکند.

آقای رجائی که تا دیروز برای جلوگیری از این چنین راهپیمائی هائی، برای جلوگیری از غلیان مبارزات کارگران، برای عوامفریبی و تدارک سرکوب مبارزات کارگران، همچون دیگر اعوان و انصار حکیمت سرمایه داران در مقابل مجلس و مجلس نشینان در باب بیکاری و آوارگان جنگ بلبل زبانی می کرد. اکنون جرات

ظواهرشدن در مقابل همان آوارگانسی را که برایشان اشک تساح می ریخت ندارد. آقای رجائی می داند که این کارگران بره های سربراه می که او می خواهد نیستند. و به وعد های پوچ او برای اجر اخروی، برای به انتظار مرگ نشستن گوسن نخواهند داد. اینان کارگران جان به لب رسید هائی هستند که آقای رجائی نخست وزیر اعظم یا باید مجلسیانشان پیدایش نشود و یا اجر اخروی را هم اکنون نقداً با کلوله پاسداران و ارتشیان خود در سینه کارگران جای دهد.

راهپیمائی اگر نه فوراً ولی پس از زمان کوتاهی پاسخ خود را از رجائی و رجائی ها، از دولت و بنی صدر و امام و همه جامیان برده گی و استثمار کارگران می گیرد. همان شسب دولت تصویب می کند که هرگونه راهپیمائی، اعتصاب، تحصن، و... ممنوع است با متخلفین برابر مقررات زمان جنگ رفتار خواهد شد.

راهپیمائی مسالمت آمیز کارگران بالاخره پاسخ خود را از بورژوازی می شنود. سؤال کارگران که می پرسیدند رجائی، کجائی؟ جواب کارگر بده. جواب داده می شود. رجائی در پشت و پشت بدستان، در پشت زندان و شکنجه و دستگیری، در پشت کلوله ها و تانک و توپ پاسداران و ارتش د لیرش سنگر گرفته است.

کارگران به خوبی می دانند که منظور از مقررات زمان جنگ چیست.

آنگاه که برای احقاق حقوقمان، برای زنده ماندن، برای نان و آزادی مبارزه میکنیم باید مقررات زمان جنگ، با زندان و دستگیری قانونی، کلوله قانونی و سرکوب قانونی با مارتسار شود. قانونی که همیشه برقرار بوده است و اکنون از نوع همان جنگیش که فرق زیادی با زمان غیر جنگیش ندارد.

قانونی که تظاهرات کارگران بیکار را در سرتاسر ایران در حال و گذشته با وژت جواب داد.

← ۴

کارگر پیر و زاست سرمایه نابود است

قانونی که چند هفته قبل تحصن کارگران کانادا ادای را بسه خون کشید. قانونی که تجمع مردم را در خیابانهای شمسر برای دفاع از آزادی و دمکراسی با گاز اشک آور و گلوله پاسخ می‌گیرد.

قانونی که خلق کرد را بی‌سها با کشتاری کند. آزادی را سرکوب می‌کند مبارزه برای نان را گناه کبیره می‌داند. قانونی که سالیان سال است که حکم می‌راند، قانون سرمایه.

و بالاخره پس از طلیعه های نوین اوچگیری مبارزه انقلابی کارگران با قانونی که رسماً اجرا می‌شد، اسماً هم قانونی شد. کارگران پاسخ خود را گرفتند. نه تنها رجائی بلکه بنی‌صدر، خمینی، همه شان در پشت قوانین مکتبی و غیر مکتبی شان در پشت ارگانهای سرکوبگرشان سنگر گرفته اند. آنها جای دوری نرفته اند بلکه همانجائی را که واقعاً بودند یکبار دیگر آشکارا اعلام کردند.

انکون دیگر حتی شمایل های دیروزین در دست کارگران لب‌گشوده اند و دم گرفته اند که "مبارزات کارگران سرکوب باید گردد".

اگر تا دیروز حل مسئله بیکاری نه مسئله شان بود و نه در توانشان، اگر تا دیروز برای فقر و فاقه کارگران و زحمتکشان نسخه تحمل مکتبی تجویز می‌کردند.

امروز دیگر بیکاری برایشان آتش زیر خاکستر است. امروز فقر و فلاکت، مبارزه و اعتصاب را در پی دارد و دیگر روشنی است که با دعا و توبه نمی‌توان آنرا التیام بخشید. امروز دیگر لازم است دولت برای بیکاری راه حل بیابد. زیرا که مبارزات گسترده کارگران در پیش است.

کارگران قهرمان بندر خونین شهر!
کارگران انقلابی ایران!

ما سالهاست که به میدان مبارزه گام نهاده ایم. سالهاست که جنگ خود را بر علیه رژیم سرمایه داری به پیش می‌بریم. اما آنرا تا به آخر نبرده ایم. سرنگونی رژیم شاه تنها گوشه کوچکی از اراده استوار و قدرت انقلابی‌مان برای سرنگون کردن حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بوده است.

ما برای پایان دادن به رنج و استثمار، برای پایان دادن به خفقان و سرکوب برای رهائی از یرغ سرمایه میدانیهای نبرد را با فریاد های خود با اعتصابها، نظاهراتها و مبارزات گسترده خود. با خون سرخ خود بر علیه رژیم سرمایه داران پوشانده ایم. ما آغازگر مبارزه بوده ایم و باید آنرا تا به پایان نیز ببریم. روشن است که باید شمایل های بی‌معجز را که خود عاملین تحقیر و سرکوب، عاملین فقر و محرومیت ما هستند به کساری افکنیم.

باید از دخیل بستن به خانه امام و سایر امامزادگان دست برداریم. باید تنها و تنها به قدرت و اراده استوار تمامی کارگران متکی شویم.

کارگران قهرمان خونین شهر!

دولت سرمایه داران آشکارترین پاسخ هارا همان فسردهای راهپیمائی به ما داده است. و روزنامه ها با تیر درشت نوشتند که "مقررات زمان جنگ انتظار هم مبارزه ای را میکشد". اما ما پاسخ راهپیمائی مان را پاسخ مبارزه انقلابی مان را از

رژیم حافظ سرمایه طلب نمی‌کنیم. همان پس که آنها را وادار کرده ایم تا بجواب ما کارگران را با صراحت بیشتری بگویند. و ما می‌دانستیم که چه خواهند گفت. ما داستان را نه بسوی "امام" نه بسوی بنی‌صدر مکار نه بسوی وکلا و وزرای ضد کارگر، بلکه بسوی طبقه کارگرایسران بسوی کارگران که در تمامی سنگرها جبهه نبرد کارگران بر علیه سرمایه داران و رژیم حامیان آنرا به پیش می‌برند دراز خواهیم کرد.

دستانی که در مبارزه انقلابی متحدان فشرده خواهد شد.



مسئولین شرکت استیو ورینگ (گمرک) خرمشهر پس از اینکه کارگران آخرین حقوقشان را در شش‌هفته گذشته به آنها گرفتند که ماد یگر بشما حقوق نمیدیم اگر پول میخواهید به تهران بروید. کارگران از همانجا قرار گذاشتند که روز ۲۷ آذر در تهران همدیگر را در محلی ببینند، عده زیادی از کارگران پس از سه ماه کار که از حقوقشان خبری نشد بالاخره روز ۲۷ آذر خود را به تهران رساندند. از آنروز از صبح تا شام در خیابانها راه میروند. نخست وزیری، وزارت کار، مجلس و... و بالاخره در روز دوشنبه اول دی در صحنه متظم با پلاکاردی که بر سر رویش این شعار نوشته بود:

"حقوق کامل کارگران پرداخت باید گردد"

کارگران شرکت استیو ورینگ (گمرک) خونین شهر در خیابانهای تهران براه افتادند. اول نخست وزیری، پس از آن بطرف وزارت کار وساعت ۳ بعد از ظهر از وزارت کار بطرف جماران حرکت کردند. در صاف اول، کارگران کسه تعدادشان به حدود ۱۰۰۰ نفر رسید یک عکس از "خمینی" و یک عکس از بنی‌صدر در دست داشتند. کارگران شعار میدادند:

رجائی، جواب ما بده، کجائی؟

رجائی، حقوق ما بده، کجائی؟

رجائی، جواب کارگرسبده!

رجائی، رجائی حقوق کارگرسبده!

حقوق سه ماه خونین شهر پرداخت باید گردد!

خونین شهر سنگر انقلاب است، رجائی!

شرکت استیو ورینگ قبلاً "متعلق به" شایگان "اعضای

جبهه ملی بود و بعد از قیام تحت اختیار دولت جمهوری اسلام

می قرار میگرفت و در حقیقت دولت کارفرمای مستقیم کارگران

است. از همین رو کارگران مستقیماً "رجائی را مورد خطاب

قرار میدهند. رجائی صبح همان روز (اول دی) در نخست

وزیری به کارگران گفت که: "ما پول نداریم که به شما بدهیم

بروید گدائی کنید"

این شرکت محموله کشتی هائی که از طریق خونین شهر کالای

ایران وارد میکنند را تخلیه میکند و چند هزار کارگر را رد



مبارزه علیه بیکاری در روسیه - ۱

"مبارزه کارگری علیه بیکاری در روسیه" کارگران آگاه و انقلابی!

بیکاری بیماری مزمن جامعه سرمایه داری که در شرایط بحرانی ابعاد آن بیشتر گسترده میگردد - اکنون هرچه بیشتر حلقه محاصره خود را به گرد حلقوم کارگران ایران تنگتر میکند. جنگ نیز آنرا کاهنده بلکه باعث تشدید و گسترده‌گی آن شده است. بدین ترتیب زندگی ما هرروز به فَلَکَت بیشتر و هستی ما ناپذیر می شود و آماجگی مبارزه قطعی در سنگر انقلاب را از ما سلب می کند. نقاط ضعف ما را در مبارزه برجسته می سازد و در یک کلام نیروی متشکل و صفوف متحدان را به تزلزل و تفرقه تهدید می نماید و...

اینجاست که کارگران ما این سوال را پیشتر می گفتند: "چاره چیست؟ چگونه باید این مایع مخرب را از سوراخ مبارزاتمان برداریم؟ چگونه باید با بیکاری مقابله کنیم؟ ما به هر دری زده ایم از همان فردا و قیام راهی کمیته‌ها و امام و ادارات کارمندی و... شدیم و موقعی که صداوسیما و یا برهنگان! با بوق و کرنا اولین بهار آزادی را جشن میگرفت ما در وزارت کار سراعتاب غذا بسر می بردیم و... ما بیگانه بودیم و هیچگاه مبارزه و راهساز نگردیم زیرا که بیکاری مسأله مرگ و زندگی ما بود... ما مرگ سرخ را به زندگی سیاه و فَلَکَت یاره به مرگ - تدریجی ترجیح دادیم و با مبارزه خود در اصفهان (در همان اولین بهار) و دورود و اندیمشک و بندرماهشهر و... اینرا به اثبات رساندیم و اما اکنون بعد از دو سال - مبارزه با زخم تقوا نسته ایم گام موثری در جهت حل مشکل بیکاری به نفع کارگران و رحمت کمان برداریم. چرا؟ برامتی چه باید کرد؟

در شرایطی که حداقل اتحاد مورد نظر در نزد کارگر ان مایافت نمیشود چه تشکیلاتی لازم است تا توده‌ها - وسیع کارگران را برای تامین همیشه کارگران بیکار و خانواده‌ها و آنان به مبارزه علیه بیکاری فراخواند؟ و در شرایطی که جنبش پیشروان طبقه یعنی جنبش کمونیست خود از فقدان حداقل انجام درونی و وجود ضعفها و - بیشمار رنج میبرد و در کدام راه باید در جهت ایجاد این تشکیلات مناسب گام نهاد؟

آیا باید به پیشنهاد برخی امروز دست از مبارزه با بیکاری کشیده و منتظر فردا ماند تا پراکنگی و تشتت در صفوف جنبش کمونیستی از بین رفته و حزب بوجود آید و - حزب نیز به نوبه خود تفرقه بین کارگران را از بین برده و اتحاد آنان را تحقق بخشد!! و به همین ترتیب منتظر ماند تا سرآینده رویایی مشکل بیکاری حل شود!

"علیه بیکاری" این پیشنهاد را مردود شمرده و

وکوشیده و میکوشد تا در شرایط مشخص کنونی راه حل انقلابی و پرولتری آنرا ارائه دهد. در ادامه این کوششهاست که قصد داریم شعار در جریان یک تجربه گرانبهای جنبش کارگری قرار دهیم. تجربه ای آموزنده از همسنگرانمان در گوشه ای از جهان در مبارزه علیه بیکاری. تجربه ای که در طی آن درمی یابیم که چگونه پرولتاریا و روسیه راه حل انقلابی مشکل بیکاری را دریا یافتند و... (x)

مالی شف و کارگر بلشویکی که در جریان مبارزات - کارگران روسیه بر علیه بیکاری، شرکت فعالی داشته و خود یکی از رهبران این جنبش بوده است و تجارب و دستاورد ها و این مبارزه را با زبانی ساده بصورت کتابی به نام "شورا و بیکاران" روی کاغذ آورده است. ما خود از طریق مطالعه این کتاب با این تجربه آشنا شدیم و برای آنکه خوانندگان خود را نیز در جریان این مبارزات قرار داده و آنها را به اهمیت مطالعه این اثر واقف گردانیم اقدام به شرح مختصر آن میکنیم.

۱ - تزار برای شکست انقلاب کارگران را بیکار می کند در هفتاد و پنج سال پیشتر و زحمتکشان روس پیراز - سالیان فراز بار دیگر بر علیه نظام استعمارگر موجود است به شورش انقلابی زدند. از آنجا که این استعمار به شیوه سرمایه داری بود صف جلونا را پرولتاریا و انقلابی تشکیل میداد. این شورش از چنان ابعاد و برخوردار بود که پادشاهها و حکومت تزاری را به لرزه می افکند.

طبیعتا در مقابل پرولتاریا و انقلابی که مسئله امر - نامه انقلاب تا پیروزی قطعی آن بود برای استبداد تزاری مسئله بصورت سرکوب انقلاب و بازگرداندن وضع بحال - "عادی" طرح می گشت. منافع طبقاتی حکومت تزاری - ایجاب میکرد که او به موقعیت دشمن طبقاتی خود یعنی پرولتاریا و انقلابی آگاه شود و در جهت سرکوب هرچه بیشتر

آن بجز رود. تزار میدانست که قدرت و نیروی عظیم کارگران از اتحاد آنان و متشکل بودن آنها زیر پرچم آگاهی انقلابی طبقه ناشی میشود و کوشش میکرد که این سلاح - کارگران یعنی اتحاد و تشکل طبقاتی آنها را از دستشان - خارج سازد. از اینرو پیراز آنکه قیام مسلحانه را در شهرها بوسیله ارتش ضد خلقی خود سرکوب کرد و پیشروی

(x) البته ما این گفته را که الگو برداری از تجارب و دنیا له روی از آنها نقش منفی در پیشبرد مبارزه دارد را قبول داریم ولی توجیه لاقیدی و تئوریک با این فرمول صحیح را تا سرست می دانیم و کسانیکه از دور بدون مراجعه به کتاب حکم میکنند که "آن بشر در شرایط ایران نمی خورد و... جز اعلام اینکه نمیتوانند خلاقانه به تجربه مزبور برخورد کرده و تحلیل مشخص از شرایط مشخص کنند جز سرپیچ گذارن بر این ناتوانی و توجیه لاقیدی - تئوریک خود و جز اعلام اینکه نمیتوانند پیگیرانه دنباله راه حل برای مسائل کارگران باشند و کاری برای کارگران ایران نکرده اند.

خود را تا به آخر یعنی در جهت شکست قطعی انقلاب چینی
اندامه داد که از یکسوی سازمانی ناروستانه‌ها بی‌شبه
فلاژتها و حزب‌اللهی‌ها و خودمان که در آنجا به باندها و
"مسئله" معروف بودند و تشکیل شبکه پلیس و پلیس
مخفی و رهبری مبارزات راست‌گرایان را مجبور به فعالیت
مخفی کرده و در نتیجه فعالیتها و آنها را محدود کرد و از
سوی دیگر با اخراج کارگران دست به ایجاد بیکاری -
مصنوعی زده که منجر به بیکاری کارگران زیاد و در روسیه
شد. اما چرا تزار به اینکار دست زد؟

او بخوبی دریا فته بود که نقطه قدرت کارگران -
یعنی اتحاد طبقاتی و یکپارچه آنها را باید به نقطه ضعف
یعنی تشتت و پراکندگی و رقابت درونی بدل سازد. زیرا
که بیکاری در صورت عدم وجود آگاهی و تشکیلات لازم هرگز
لتروی می‌تواند به عاملی در جهت تضعیف مبارزه طبقاتی
کارگران بدل شده و کارگران را صرفاً به تامین زندگی -
خود و خانواده‌هاشان بکشانند که این خود موجب فراهم
شدن شرایطی برای سرکوب آنها خواهد شد.

بدین ترتیب حکومت تزاری مکان بیکاری گسترده را
در تضعیف مبارزه کارگران درک کرده بود و میدانست که
اخراج کارگران و ایجاد بیکاری وسیع می‌تواند به سود
منافع سرمایه باشد. بنا بر این کارگران روسیه از -
کارخانه رانده شدند. بیکاری با تمام ابعاد غوم خود
عرض اندام می‌کرد: گرسنگی نداشتن هیچ وسیله گرم -
کننده در زمستان سخت و دوری از بهداشت و جربحث با -
صاحبخانه که معمولاً بکمال نادارمها به بیرون ریخته
شدن اثاثیه می‌انجامید و فروختن و گروگناری آنچه که
مانده بود و روی آوردن به دزدی. ۰۰۰۰۰ از هم پاشیده -
شدن خانواده و ۰۰۰۰ خلاصه رانده شدن بسوی مرگ!

بدین ترتیب کارگران روس و یسویی که حکومت سر -
مایه‌داری در نلر داشت یعنی رولدرویی و رقابت درونی -
کارگران بر سر یافتن کاره نزار کارگران شاغل و بیکاره
۰۰۰ سرانجام ایجاد تفرقه و تشتت وسیع در نزد ارتش -
کارگران (درست وضعیتی شبیه وضعیت کنونی کارگران
ایران) و در نهایت شکست قطعی شوروی انقلابی شان رانده
می‌شوند. ۰۰۰۰ و در این بین در مقابل یا توطئه غد کارگر
- حکومت سرمایه‌داری تزاری و کارگران چه می‌باید -
می‌کردند؟

۲ - چاره کارگران چه بود؟

حزب بلشویک کارگران روسیه و چاره را در ایجاد -
اتحاد کارگران شاغل و بیکاریافت ببینیم این راه حل
چگونه چاره مشکل بود و پیشروان جنبش کارگری روسیه چه
کردند؟

شورای نمایندگان کارگران که از گروهی کارگران و
روشنفکران بلشویک از جمله خود مالی شف بعنوان رئیس
آن تشکیل شده بود، از طرف حزب ما موریت پیشبرد -
مبارزه علیه بیکاری را بعهده داشت از اینرو ابتدا تصمیم
می‌گیرد که مسئولیت نهی تزار کارگران را که در اثر ایجاد
بیکاری به خرابی آنها ریخته شده بودند، بعهده گیرد.
اما هنگام اخراج کارگران با این مشکل روبرو شد که چگونه

راهی برای کمک به بیکاران گرسنه و فقرزده پیدا کند،
چرا که با وجود همه اهمیتیکه مسائل سیاسی داشتند گرسنگی
چنان فشار زیادی بر روی آنان میگذاشت که دیگر مجالی
برای مبارزه با سرمایه‌داری باقی نمی‌ماند و این امر -
باعث شده بود که شورای نمایندگان کارگران روزها و

اولیه عمدتاً به حل مسائل معیشت کارگران بیکار بپردازد
تا مسئله ایجاد کار از اینرو ابتدا به پیشنهاد شورای
نمایندگان کارگران یک کمیسیون بیکاران تشکیل شد که
در تمام مناطق کارگری شعبه خود را بنا بر کرد و سپر این -
کمیسیون قلمنا مه شورای نمایندگان کارگران را مبنی بر
اینکه یک درصد حقوق کارگران کارخانجات و معادن جهت
کمک به بیکاران اختصاص یابد را تصویب نمود و آنها هم -
چنین از تمام میتینگها و اجتماعات دا و للبا نه پول جمع
آوری میکردند و این پولها کمیسیون بیکاران را قادر -
نمود که در کمک به بیکاران قدمها بردارد.
چند سالن غذاخوری در پل زبورگ گشوده شد به کارگران
و خانواده‌هاشان کمک مالی داده شد و ۰۰۰

شورای نمایندگان کارگران بدینوسیله برای حل -
معیشت کارگران بیکار رهنمودی مبنی بر کمک کارگران شاغل
به کارگران بیکار داد و بوسیله پولهایش که در این -
رابطه بنیست آمده بودند توانستند برای ماهها و اولیه
کارگران بیکار را تامین کنند.

اما آیا این راه حل می‌توانست کلاً معیشت کارگران
بیکار روخا نواده‌ها و آنها را تامین کند و آبراه حل قطعی
برای اینکار را این است؟ نه!

چرا که با فقر و فلاکت شدید که در اثر بیکاری بوجود
آمده بود سهمی که طبقه کارگر از محصول کار اجتماعسی
به خود اختصاص میداد برای زنده نگه داشتن تمام آن -
کافی نبود و این تقسیم ارزش بین کارگران و زحمتکشان
فقط و فقط میتوانست تا ثیر و موضعی و موقت داشته باشد و
اگر این ارزش به تساوی هم بین کارگران و زحمتکشان -
تقسیم میشد باز هم عده‌ایی از آنان با بیدار گرسنگی می -
مردند.

۳ - تشکیل شورای بیکاران ضروری میشود!

از اینرو شورای نمایندگان کارگران در جریان مبار -
زات خویش توجه خود را به دوما شهر می‌بذول داشت و فرا -
خواندن توده‌ها و وسیع کارگران به اعمال اراده مستقیم
در تامین و بهبود معیشت کارگران بیکار نواده‌ها -
آنان و تحت فشار قرار دادن دوما و شهر را در دستور کار قرار
داد. در همین رابطه قلمنا مه‌ایی شامل خواستها و بیکار -
ان توسط یک هیات نمایندگی به دوما و شهر فرستاد. ۰

البته همانطور که انتظار دیگری هم نمی‌رفت دوما و شهر
که اعضا و مسئولینش همه سرمایه‌داران بسیار قدرتمند
و یا نمایندگان آنها بودند تصمیم گرفت که خواستها و آن
ها را رد کند. با این وجود بیکاری و گرسنگی شدیدتر میشد.
کمیسیون بیکاری به سختی کار میکرد. دیگر از جایی کمکی

اخراج و مبارزه کارگران

بیکاری رو به گسترش همچنان بیداد میکند * اکنون تعداد هرچه بیشتری از کارگران به صف بیکاران می رسند * از یکطرف جنگ به تعطیل کارخانجات و اخراجهای دسته جمعی کارگران، دامن زده و از طرف دیگر اخراج کارگران مبارزه منظور سرکوب مبارزات کارگران ابعاد وسیعتری یافته است *

همزمان با اوخگیری مبارزه طبقاتی و رو بروی صریحتر منافع کارگران با منافع سرمایه داران ورژیم حاکمان و استفاده تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی از جنگ برای کوبیدن چمناق تکفیر بر سر کارگران مبارزه، اقتضای هر چه وسیعتری از کارگران در معرض اخراج قرار گرفته اند * در هر کجا که نبض مبارزه می تپد زیدترین کارگران که صفوف جلوتر مبارزه را بر میکنند به بیکاری تهدید میشوند * مادرمقاله "درباره اخراج" * هشدار دادیم که: "اخراج کارگران تحت نام پاکسازی تشبیه با اخراج کارگران مبارز و پیشرو ختم نخواهد شد * سرمایه داران منافعی خود را می شناسند، آنها میدانند که بین منافع کارگران و خودشان تضادی آشقی ناپذیر وجود دارد * بنابراین هر کارگری که منافع کارگران یا فشاری کند، هر چند هم که در ایمان بسته اسلام و خداوند هب او تردید وجود نداشته باشد مورد حمله آنان واقع خواهد شد * اخباری که ذیلا "در مورد اخراج کارگران مبارز در هفته های اخیر آمده، بر سخنان ماصحی - گذارد * از طرف دیگر اخبار اخراجهای دسته جمعی کارگران که بر اثر جنگ تنها تشدید شده، هشدار دهند * آینه در د - ناکی است که در صورت عدم مبارزه با آن انتظار توده های وسیع طبقه کارگر را میکند *

کارگران مبارز! شرایط کنونی ضرورت مبارزه بر علیه اخراج را د و چند آن نمود است * حق تعیین ادامه اشتغال ویا اخراج هر کارگری باید از دست دشمنان طبقه کارگر که تنها بد نیال سود هر چه بیشتر و سرکوب مبارزات کارگران هستند خارج شده و در دست توده کارگران قرار گیرد * ماقباله "درباره اخراج" گفتیم که "صدور حکم اخراج هر فردی از کارخانه فقط و فقط در صلاحیت مجمع عمومی کارگران کارخانه ویا ارگانی که مجمع عمومی مسئول رسیدگی به این امر کرده میباشد * و نیز گفتیم که تشکیل و یا تدارک برای تشکیل مجمع عمومی و تعیین اصولی که وظایف و اختیارات این مجمع را تعیین میکند بر عهد کارگران مبارز و پیشرو است * اصولی که می باید به تصویب اولین جلسه مجمع عمومی برسد، و در دست گرفتار آگاهانسه حسیق اخراج بسته توسط کارگران را تضمین

* این مقاله در نشریه شماره ۲ "علیه بیکاری" درج شده است *

نماینده اتحاد کارگران بر علیه اخراج در مجمع عمومی بتواند در مقابل تمامی حوادث تازه و مشکلاتی که کارفرمایان ولت بسرای آنان ایجاد میکنند صلابت و استواری خود را حفظ نماید *

اما تهدید به بیکاری تهدیدی است نسبت به معیشت و مبارزه کل طبقه کارگر * لذا می باید تمامی کارگران را اعزاز شاغل و بیکار و لا " به حمایت از مبارزات کارگران کارخانه های مختلف بر علیه اخراج و ثانیاً " به مبارزه برای تامین معیشت بیکاران بر خیزند * باتشویق توده های وسیع کارگران به ایجاد "اتحاد کارگری علیه بیکاری" مبارزات تمامی کارگران بر علیه بیکاری و اخراج را پیوند داد و میانبروی مبارزه سراسری و متحدان هم مانسح تباهی جسمی و روحی بیکاران و خانواده های ایشان خواهیم شد و هم مبارزه مان را از گزند سرکوب دشمن صون میداریم *



چندی پیش ۳۰ نفر از کارگران کارخانه سیمان اصفهان اخراج میشوند * این عمل بوسیله کمیته پاکسازی و مدیر عامل صورت میگردد و این کارگران را بجرم کم کاری اخراج میکنند * وقتی کارگران (۳۰ نفر اخراجی) از این امر باخبر میشوند بد وریکدیگر جمع شده و سیاست کمیته پاکسازی و دیگر عناصر وابسته را برای کارگران افشا میکنند * مدیر عامل کارخانه از این کار وحشت زده میفود و آنفر از کمیته پاکسازی نیز که در آن حوالی بودند پابه فرار میگذارند *

روز بعد همان ۳۰ نفر به دفتر مدیر عامل هجوم برد و خواهان بازگشت بکار میشوند * بالاخره قرار میشود که در سالن آمفی تاتر کارخانه جلسه ای با شرکت مدیر عامل برگزار شود تا به کار آنها رسیدگی شود مدیر عامل سعی داشت از شرکت سایر کارگران در این جلسه جلوگیری کند، ولی حدود ۴۰۰ نفر از کارگران در آمفی تاتر جمع شده و به سخنان افشاگرانه کارگران اخراجی گوش دادند (قرار است که ۱۸۴ نفر دیگر را در فرصت بعدی اخراج کنند) مدیر عامل در این جلسه از طرف کارکنان و کارگران به زیر سوال کشیده میشود و چون اوضاع را وخیم می بیند با پیش کشیدن اینکه باید در جلسه "ایمنی کارخانه" شرکت کند سالن را ترک میگوید که این عمل مورد اعتراض قرار میگیرد * ظهر همین روز کارگران اطلاع پیدا میکنند که د ونفر از کمیته پاکسازی، نماینده استانداری و یک نفر از سپاه پاسداران زرین شهر مشغول نوشتن حکم اخراج بودند * کارگران اخراجی برای بازگشت به کار به مبارزه ادامه میدهند (نقل از پیکار ۸۳)

سرروز شنبه ۱۷ آبانماه گروهی از رانندگان مسافر کشیهای شخصی که شکم خود و خانواده خود را از راه مسافر کشی نسیر میکنند جهت دریافت کوبین بنزین به استانداری گیلان میروند

۸ ←

تضمین گیری در مورد اخراج حق مسلم مجمع عمومی کارگران است!

اما استاندار ضد انقلابی در پاسخ خواست بحق آنها جنگ ارتجاعی ایران و عراق را حیاتی کرده و سر آنها میکوبد کسه "ما در حال جنگ هستیم و شما نباید با اینقدر فشار بیاورید" یکی از رانندگان زخمکش پاسخ میدهند که شما روزی سی تومان به زن و بچه های ما بدهید، همین حالا به جنگ میرویم، استاندار مرتجع رو به پاسداران سرمایه کرده و میگوید "این شخص را بگیرید او آمریکایی است"!! پاسداران بلافاصله شروع به تیراندازی هوایی کرده و سپس بروی راننده ها آتش گشودند. در این حادثه چند نفر مجروح شدند که یکی از آنها در بیمارستان جان سپرد (نقل و تلخیص از پیکار ۸۳)

سکارگران و کارکنان شرکت های ایران ترمینال، بارفومیسی استیو و رینگ و ... بندر خرمشهر که جمعا ۲۰۰ آنسفر می باشند بد نبال جنگ ارتجاعی رژیم های ایران و عراق و اشغال خرمشهر برای رسیدگی بوضع کار و زندگی شان در روزهای متعدد (۱۸ تا اواخر آبان) به اداره بندر و کشتیرانی مراجعه و حقوق عقب مانده شان را میخواهند ولی مسئولین شرکتها با منطق همیشگی سرمایه داران اعلام میکنند که این شرکتها منحل شده اند یعنی بزیان ساده حالاکه نمیتوانیم شما را استثمار کنیم باید بیکاری بکشید. مبارزه کارگران این بندر همچنان ادامه دارد. (نقل از خبرنگار جنگ ۹ پیکار)

بد نبال کم کاری کارگران گمرک شهریار برای خواستهای خود (ایجاد شرکت تعاونی، نهادهای عکس العمل مدیرعامل علیخانی) و انجمن اسلامی در مقابل درخواست برحق کارگران، تبعید چهار نفر از رزباها به جزیره کیش و اخراج ۴ نفر از افراد مبارز بود که روز ۵۹/۷/۳۰ حکم آنها به در دیوار شرکت چسباندند. کارگران خشمگین و معترض به این عمل دست به تشکیل مجمع عمومی میزنند ولی (علیخانی) کسه از اتحاد و همبستگی کارگران به وحشت افتاده بود، در این جلسه شرکت نمیکند، رئیس انجمن اسلامی زمانیکه متوجه خشم و نفرت کارگران میشود، میگوید تا بین کارگران تفرقه بیانداز و با هوشیاری کارگران تیرش به سنگ میخورد. مدیرعامل و انجمن اسلامی که گویا قرار بوده ۵۴ نفر را اخراج کنند در مقابل اتحاد کارگران تسلیم میشوند کارگران به مبارزه خود برای بازگرداندن کارگران اخراجی ادامه میدهند. (نقل و تلخیص از پیکار ۸۳)

شورای کارخانه آلومینیوم سازی اراک در پی توطئه "صدر" مدیرعامل سازمان گسترش و دارودسته ضد کارگرمش منحل شد. اینها چند نفر از اعضای شورا را از کارخانه اخراج کردند و این درحالی بود که دو نفر از اعضای اخراجی شورا، بواسطه خوشبویهایی که نسبت به این رژیم داشتند، در جبهه جنگ بودند. این توطئه با کمک و همکاری انجمن اسلامی کارخانه آلومینیوم سازی و کارخانه ماشین سازی و دادستان اراک به مرحله اجرا درآمد. این شورا بواسطه طرفداری از کارگران در افتادن با مدیرعامل قبلی و انجمن اسلامی کارخانه، بررسی پرونده دزدیهای میلیونی که با همکاری اکثر رؤسا و اعضا -

انجمن اسلامی کارخانه صورت گرفته بود و بالاخره بعلمت زیر بار اعمال ضد کارگری نرفتن از هم پاشانده شد. کارگران کارخانه به حمایت از شورایشان و اعضای آن دست به اعتصاب زدند، رژیم وحشت زده پاسداران سرمایه ربه کارخانه فرستاد اما پاسداران با دیدن صف فشرده کارکنان اعتصابی بقبول خودشان از ترس اینکه "وضع خرابتر نشود" نتوانستند کاری انجام دهند. سرپرست کمیته به نمایندگی از طرف ادا ستانی با کارگران اعتصابی وارد مذاکره شد آنها کارگران اعتصابی را با وعده رسیدگی به درخواستهایشان بسرکار فرستادند؛ شکل اعتصاب کارگران اینگونه بود که یک شیفت برای اینکه کارخانه نخوابد کار میکردند و شیفت دیگر به اعتراض خود ادامه میدادند و اعتصاب را میگرداندند، این اعتصابها در روزهای دوشنبه ۱۹ آبان و چهارشنبه ۲۱ آبان صورت میگرفت. (نقل و تلخیص از پیکار ۸۵)

روز ۵۹/۸/۱۵ "میرزایی" رئیس هیات پاکسازی (استانهای آذربایجان شرقی، غربی، زنجان) برای فریب کارگران در ماشین سازی تبریز پیرامون "پاکسازی" سخنانی ایراد کرد. در پایان سخنانوی یکی از کارگران مبارز پرسید: از تاریخ ۱ شهریور گذشته بنا بنوشته روزنامه ها و اظهارات رادیو و تلویزیون هیئت پاکسازی هیچ سمت قانونی ندارد شما چگونه بعنوان رئیس پاکسازی در اینجا صحبت می کنید؟ چرا بعد از ۶ ماه سرگردانی کارکنانی که بحالت تحلیق درآوردند تکلیفشان را روشن نمی کنید؟ میرزایی از جواب دادن با استناد به سخنان رجایی طفره میرفت. کارگر دیگری گفت که شما بجز چند نفر بقیه را صرفا بجرم داشتن عقیده مسلمان که خوشایند شما نیست بدون هیچگونه دلیل و مدرکی اخراج نمود و سر نوشت آنها را به دادگاههای انقلاب اسلامی سپرده اید؛ اگر آنها جرمی مرتکب شده اند باید در حضور کارکنان محاکمه شوند و از خود دفاع کنند. در آخر میرزایی گفت "قرارداد ما تصمیم نهایی، طبق حکمی مبلخی به این افراد تعلق بگیرد." کارگر مزبور بلافاصله گفت "پس آنها در قبال تقاضای نان باید به فرزندانشان خود و به سر رسید حکم بدهند؟ این را کدام مکتب می پسندد که شما از آن حرف میزنید؟ جلسه سخنرانی در همین جا پایان پذیرفت." (نقل و تلخیص از کار اقلیت ۸۷)

بد نبال اخراج بیش از ۱۲۰۰ نفر از کارگران شرکت "فلور" اصفهان و بکارگرفتن تعد اد کم از این کارگران در قسمت پخش شرکت نفت بقیه کارگران اخراجی با اجتماعات متعسند، متحد و یکپارچه فریاد اعتراضشان را بلند کردند. روز ۹/۱۰ کارگران برای شنیدن پاسخ نهایی مسئولان در مقابل اداره کار اجتماع میکنند و روسای شرکت به نمایندگان کارگران میگویند که فقط ۳۰۰ نفر بسرکار برخواهند گشت و تکلیف بقیه هم در آینده روشن میشود و علاوه بر آن زمان فرستادن این ۳۰۰ نفر بسرکار نیز از طریق رادیو تلویزیون اعلام خواهد شد. کارگران یکپارچه علیه مسئولان اعتراض کرده و میگویند اول باید

حیله‌های سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری برای بالا بردن سود سرمایه‌ها!

اخیراً مدیران "شرکت معادن فلورین شاهین" درمازندران که از جمله صنایع دولتی شده و متعلق به دولت است، تصمیم میگیرند که سودآوری کارخانه را افزایش دهند و روشن است که این کار جز با افزایش استثمار کارگران و تحمیل فشار بیشتر بدانان امکان پذیر نیست.

مدیران دولتی این شرکت، ابتدا به کارگران پیشنهاد می‌کنند که با دریافت ۱۵ روز دستمزد به ازای یکماه کار موافقت کنند و بپذیرند که بقیه دستمزد آنها بعنوان سپرده در شرکت باقی بماند تا دریافتند و در صورت سودآوری بیشتر شرکت و از جمله از طریق سرمایه‌گذاری دستمزد پرداخت نشود و کارگران و استخدام و استثمار تعداد بیشتری کارگر بآنان پرداخت شود.

کارگران بد رستی این پیشنهاد ضد کارگری را رد می‌کنند. پس از ناکام ماندن این طرح، مدیران که از طرف دولت حامی مستضعفین بسرکار گمارده شده‌اند، پیشنهاد میکنند که ۴۰٪ از کارگران شرکت برای یکسال برخصی بدون حقوق بروند. اما این نقشه نیز با مقاومت یکپارچه کارگران نقش بر آب میشود.

مدیران شرکت که همه تشیقات خود را بی‌فایده یافته‌اند اکنون به ماده ۳۳ قانون ضد کارگری پناه برده و تصمیم دارند تا در کثف حمایت این ماده و دولت مجری آن و با توافق "سازمان صنایع ملی"، تعدادی از کارگران این شرکت را اخراج کنند.

مدیران دولتی "شرکت معادن فلورین شاهین" با پیشنهادات و اقدامات خود دست خود و همه سرمایه‌داران و مدیران و نیز دولت سرمایه‌داری رژیم جمهوری اسلامی را رو کرده‌اند.

سأنان لوداده‌اند که اخراج کارگران و بیکار کردن آنان نه بدلیل اضافه بودن تعداد کارگران بلکه بدلیل عدم سوددهی و یا کم سود دادن کارخانجات و شرکتهاست و در صورتی که کارگران حاضر شوند در مقابل کار بیشتر مزد کمتری بگیرند، از حقوق رفاهی خود صرف‌نظر کنند و ۰۰۰ و در مجموع تن بسه استثمار بیشتر بدهند تا سودآوری کارخانه و یا شرکت افزایش یابد در اینصورت نه تنها اخراج آنها ضرورتی پیدا نمی‌کند بلکه حتی میتوان تعداد بیشتری کارگر را استخدام و بسادگی حقیقت استثمار کرد.

مدیران دولتی مذکور عوامفریبانه بودن طرح استخدام ۵۰٪ کارگران را که از طرف "شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران" تصویب شده بود، نیز اثبات کرده‌اند و نشان داده‌اند که این تصویبنامه بهیچوجه ضامن اجزائی نداشته و صرفاً برای انجام تبلیغات عوامفریبانه، فریب کارگران و زحمتکشان، تفرقه‌انداختن در صفوف آنان و کاستن از شدت مبارزه آنان تنظیم شده بود. است چرا که "سازمان صنایع ملی" که می‌بایست یکی از مجریان این طرح باشد خود باخراج کارگران کارخانجات و شرکتها تابع خود دست زده است.

مدیران دولتی مذکور همچنین حیله‌های مختلف سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری برای استثمار بیشتر کارگران، اخراج آنان و ۰۰۰ را نیز لوداده‌اند.

کارگران و زحمتکشان! حیله‌های گوناگون سرمایه‌داران را برای استثمار بیشتر خود خنثی کنید و اقدامات و توطئه‌های آنان را برای اخراج خود با مبارزه یکپارچه، متحد و متشکل درهم بشکنید.

فراخوان بین الملل سندیکاهای سرخ‌په کارگران بیکار

۱۳۳۲

"شما اولین رنج کشیده‌های این مبارزه بودید و باید اولین کسانی باشید که دست بتعرض میزنند و فراموش نکنید که متعهد رهسورتنی پیروز میشوید که صفوف خود را با سایر کارگران فشرده متراخته و از منافع تمامی طبقه کارگر دفاع نمائید. کارگرانی که هنوز بکار اشتغال دارند نباید تصور کنند که بسرنوشت بیکاران دچار نمیشوند.

مبارزه برادران بیکار باید مورد پشتیبانی کارگران قرار بگیرد و سندیکاهای سرخ باید همه اقدامات لازم را انجام دهند تا مبارزه بیکاران، زیر پرچم سندیکائی به پیش رود و ترکیب گردانهای رزمندگان، هم از کارگران بیکار و هم از کارگران شاغل تشکیل شود.

نقل از کتاب "سندیکای سرخ"



مرکب سرمایه‌داری، مرگ برای پیریالپسوم!

دنباله مبارزه علیه ۰۰۰۰ از صفحه ۶

نمی‌رسید و پولی در مسافرت نمانده بود. در همان سال بود که شورا و نمایندگان کارگران در سن پترزبورگ و قیام - مسلحانه توسط حکومت تزار سرکوب می‌شود و رهبران به قتل لیت مخفی مجبور شده و از شهر خارج می‌شوند. لیکن این جریان بهیچ وجه فعالیت آنها را تعطیل نمی‌کند و در این راه رهبران حزب بلشویک تصمیم می‌گیرند از جنبش بیکاران که در آن زمان تازه شروع شده بود قویا حمایت کنند. لذا قرار بر این می‌شود که از نمایندگان تشکیل‌دهنده بیکاران مناطق مختلف تشکیلاتی جدید بوجود آید. به این منظور جلسه تشکیل می‌شود. در آن جلسه یکی از اعضا کمیته حزب چنین صحبت می‌کند: "گروه بلشویکی که من در اینجا از طرف آنها صحبت می‌کنم از جنبش بیکاران حمایت می‌کند و به ما کمک می‌کند که خود را در یک سازمان قوی - سازمانی کنیم. امروزه مشکل کردن همه کارگران و ایجاد یک ارگان رهبری و بنام شورا و بیکاران لازم است این شورا باید با کمک خود بیکاران، برای بهتر کردن وضع بیکاران مبارزه‌ای را شروع کند که کار بر آنها توزیع غذا و ۳۰ کوپک (x) در روز نبوده بلکه عمدتاً هدف خود را فشار بر دوما و شهر دهد. تا برای بیکاران وسیعاً کار دولتی ایجاد کند. بیکاران گدا نیستند مدقه نمی‌خواهند و آن‌ها کار و نان می‌خواهند. این مسأله بایستی به طریق مسطح شود که خواسته‌ها و از دوما و شهر مورد پشتیبانی همه کارگران کارخانجات و معادن قرار گیرد. دوما - شهر باید کارها و دولتی ایجاد کند. در شهر به اندازه کافی از این قبیل کارها وجود دارد و ...

آری. محور مبارزات ما برای این هدف مقطعی خود (نامین معیشت کارگران بیکار) باید عمدتاً تحت فشار قرار دادن دوما و شهر باشد و مبارزه با آنها. فقط بدین وسیله است که می‌توانیم حق خود را از حلقوم سرمایه‌داران بیرون بکشیم و به همین دلیل ما گدا نیستیم. مدقه نمی‌خواهیم و زنده ماندنمان در گرو این مبارزه بوده و هر چه بیشتر مبارزه کنیم پرتوانتر خواهیم شد.

در آن جلسه تمام پیشنهادات سخنران به اتفاق آراء تصویب شد و تصمیم گرفته شد که از طریق انجام انتخابات در سالها و غذا خوردن که محل تجمع بیکاران بوز و غذا خوردن بود و شورا بیکاران تشکیل شود. بعد از چند روز اهداف و وظایف تشکیلات بیکاران مورد بحث قرار گرفته. نکات مهمی به اتفاق آراء تصویب شد.

۴ - رهنمود چنین چه بود؟
مالی شف تعریف می‌کند: "وقتی که من و رفیق - کرسکی نزد لنین رفتیم تا گزارشی از آنچه را که برای ایجاد شورا بیکاران انجام داده بودیم به او ارائه دهیم و لنین پس از گوش دادن به سخنان ما گفت: "تنها از طریق این تشکیلات نمی‌توانید روی بورژوازی اثر بگذارید و به اندازه کافی نیرو نخواهید داشت و کار -

(x) واحد پول روسی.

گران بیکار خود قادر نخواهند بود این کار را در سطح کل طبقه کارگر گسترش دهند. بنا بر این باید بیدارند شورا و بیکاران را گسترش دهید تا نمایندگان شاغلین در تمام کارخانه‌ها و واحدها و تولیدی و سن پترزبورگ را (نیوز) در برگیرد شما باید هم اکنون برای این هدف در کارخانه‌ها و واحدها و تولیدی شروع به تبلیغ کنید و بلافاصله ترتیباً انتخابات این نمایندگان را بدهید. شورا و بیکاران باید دارای ۳۰ نماینده از بیکاران بلکه از ۱۰۰ تا ۱۵۰ نماینده از تمام نواحی و از کارخانه‌ها و واحدها و تولیدی باشد. این امر به بیکاران یک ارگان رهبری و قویا برتری خواهد داد و ارگانی که واقعا قادر خواهد بود با موفقیت بر دوما و شهر و کل بورژوازی و فئودالیسم وارد.

رهنمود لنین بخوبی نشان داد که چگونه شورا و بیکاران می‌توانند مبارزه خود را بخوبی پیش ببرند. این شورا وقتی تا مین معیشت کارگران بیکار را در دستور کار خود قرار می‌دهد ابتداء راه حل آنرا کمک مالی کارگران شاغل به کارگران بیکار می‌بیند. گرچه این حرکت اتحاد بین آنها را مستحکمتر می‌سازد ولی فقط می‌تواند موقتی باشد. بعداً این مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد که با مبارزه بیکاران حکومت سرمایه راتحت فشار قرار دهند و آنرا مجبور به دادن امتیازاتی سازند که چنین کاری را می‌کنند ولی با وجودیکه اینرا می‌بینند که این مبارزه است که راه حل قطعی برای نامین معیشت کارگران بیکار برای ارتقاء مبارزه طبقاتی می‌باشد و اینرا در نظر نمی‌گیرند که بیکاران به تنهایی

نمی‌توانند دوما را تحت فشار قرار دهند و مبارزه موفقیت آمیزی را پیش ببرند. بلکه باید در فکر اتحاد با کارگران شاغل و بهره‌گیری از نیروی کل طبقه در مقابل با مشکل کل طبقه (یعنی بیکاری) باشند. چون توده بیکاران به تنهایی نمی‌توانند بورژوازی را تحت فشار تعیین کنند و قرار دهند و این کارگران شاغل هستند که بیشتر - ترین اهرمها و مبارزاتی - اقتصادی - سیاسی را در دست دارند و در نبود اتحاد کارگران شاغل و بیکار کارگران بیکار به تنهایی قدرت یک مبارزه همه جانبه با بیکاری را پیش از پیش از دست می‌دهند. با جدائی کارگران بیکار از شاغلین بین کارگران تفرقه خواهد افتاد و این امر زمینه‌ها و بسیار مساعدی را برای پیشبرد اهداف بورژوازی و از درجهت ایجاد تفرقه و دشمنی بین کارگران و به ساز زجر کشیدن مبارزات آنها فراهم می‌سازد. این امر مهم را باید همواره توجه داشت که تا موقعیکه کارگران به مثابه یک طبقه اعم از کارگران شاغل و بیکار مقابل بورژوازی و نباشند و نخواهند توانست مبارزه را پیشروزمندان به پیش ببرند. لذا باید تنها با اتحاد کارگران شاغل و بیکار مبارزه موثری را بر علیه بیکاری سازمان داد و بلکه با پیش برد این مبارزه به امر آموزش و وحدت طبقاتی کارگران و ایجاد و تحکیم و تشکیل سراسری و طبقاتی وسیع

اخراج انقلابی عنصر دند کارگر کارخانه خریا*

آنچه که ما همواره بر آن تاکید داشته و داریم این بوده است که برای مقابله با توطئه های سرمایه داران و دولتشان می باید اخراج و و یا ابقای کارگران از اختیار سرمایه داران و دولتشان خارج و در اختیار کارگران قرار گیرد. کارگران تنها از این طریق قادر خواهند بود که اولاً از اخراجهای بی رویه جلوگیری کرده و ثانیاً محیط مبارزه خویش را از لوث وجود عناصر ضد کارگر پاک نمایند. اخراج عنصر (اکثریتی ضد کارگر شورای کارخانه خریا* توسط کارگران قهرمان آن نمودن) ای از مبارزه متحده آن کارگران در مقابل تلاش مذبحخانه کارفرما در جهت ابقای عناصر ضد کارگر در کارخانه می باشد.

ما با تایید مبارزه کارگران کارخانه "خریا" باردیگر تاکید می کنیم که رسیدگی به امر اخراج می باید بشکلی آگاهانه و سریع و سازمان یافته تر و از طریق تشکیل مجمع عمومی کارگران به پیش رود.

* * * * *

کارگران کارخانه "خریا" از ورود یک نماینده شورای کارخانه که اکثریتی بود و طرف کارفرما را داشت به کارخانه جلوگیری کردند که این کار مورد مخالفت کارفرما قرار گرفت و در صدد بازگرداندن او بکارخانه است. لیکن کارگران روی اخراج او مقاومت و پافشاری از خود نشان دادند. جریان از این قرار است که کارفرما مدت یکماه حقوق و مزایای کارگران را پرداخت نمی کند و با تظاهر به پول نداشتن کارگران را سر می داند. کارگران خشمگین از این عمل کارفرما شورا را تحت فشار قرار میدهند تا کارفرما را وادار به پرداخت حقوقشان کند. لیکن شورا که تحت نفوذ "اکثریتی" مذکور بود کاری برای کارگران انجام نمیدهد، او میخواهد بقول خودش از "اغتشاش" در کارخانه جلوگیری کند و در مورد تولید بیشتر به نوحه سرایی می پردازد. کارگران خشمگین از این عمل از روز ۲۰ آبان ماه از ورود او بکارخانه جلوگیری می کنند. (نقل و تلخیص خبیراژ، بیکار ۸۵)



دنیاله اخبار بحران ۰۰۰ از صفحه ۰

اسرائیل انگلستان به لیورپول آمده بود نوازده ۱۹۳۰ تاکنون این بزرگترین راهپیمایی علیه بیکاری در انگلیس بوده است. در این تظاهرات تظاهرات کنندگان فریاد میکشیدند اجازه نخواهد هم داد سالهای ۱۹۳۰ تکرار نشود

عوامل فزاینده رژیم در مورد چانه جویی برای بیکاری اخطار به زحمتکشان دهکده دار

هنوز چند ماه از تهاجم رژیم به زحمتکشان دهکده دار و بیخاک و خون کشیدن تظاهرات حق طلبانه آنان بوسیله پاسداران سرمایه نمیگذرد که یکباردیگر شهردار تهران در تاریخ ۱۹/۸/۵۹ برای حفظ "زیبایی شهر" آستین بالازده و به دهکده داران اخطار کرد که می باید بیست و هشت ساعت در ظرف ۴۸ ساعت دهکده ها این تنها مرمعاش خود را برجیبند!

دهکده داران زحمتکشانی هستند که بر اثر بیکاری و فقر و فلاکت ناشی از آن و برای سیر کردن شکم فرزندان و خانواده های خود به دهکده داری روی آورده اند و این اخطار در شرایطی بد انان داده میشود که بیکاری با بروز جنگ سرمایه دارانه رژیم جمهوری اسلامی ایران و رژیم بعث عراق بیش از پیش وسعت گرفته است تا بدان حد که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نیز مجبور به اعتراف به ایجاد آن شده اند. صرف نظر از اعترافات اقتصاد دانان رژیم که ایجاد بیکاری را بالنسبه به سه میلیون نفر تخمین زده اند، وزیر کار جمهوری اسلامی نیز اعتراف کرده است که "آماری که در مورد بیکاری بطور کلی بمن داده اند شامل ۵۰۰ هزار نفر است که البته این رقم قبل از جنگ بوده و طبیعی است که بعد از جنگ بحالت مسائل مربوط به جنگ بیکاری های جدید اضافه شده است." (کیهان سوم آذر)

همچنین این اخطار به دهکده داران در شرایطی صورت می گیرد که خطر اوجگیری مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه بیکاری و عوارض خانمان برانداز آن و اولین طلیعه های مبارزه قهرمانانه کارگران و زحمتکشان بیکار و تظاهرات و تحصنهای آنان، رژیم جمهوری اسلامی را بنا به اعتراف نخست وزیر برای جلوگیری از بروز "مساله بیکاری" در "شکل اعتبار تظاهرات هرات و تحصن" و حالت های دیگر پیدا کردن "مبارزه علیه بیکاری" بفرگ باصطلاح چاره جوئی انداخته و به تشکیل کمیسیون های جفت و تاق از وزیران کابینه واداشته است.

در چنین شرایطی از گسترش یافتن بیش از پیش بیکاری میلیونی کارگران و زحمتکشان و اوج گرفتن مبارزه آنان علیه بیکاری و در حالی که رژیم اسلامی کوچکترین گامی در جهت تخفیف بیکاری و کاستن بار آن از روی دوش زحمتکشان بر نداشتند است، واضح است که اخطار تبهکارانه شهردار دهکده داران برای محروم کردن آنان از تنها امکان تامین زندگی خود و خانواده هایشان، چیزی جز دعوت آشکار آنان به مبارزه بر علیه این اخطار زورگویانه و اقدامات جنايتکارانه رژیم جمهوری اسلامی نیست و شکی نیست که زحمتکشان دهکده دار که چند ماه پیش از این و در شرایطی که از یکسو بیکاری ناگر

چه با زهم میایونی - ابعاد محدود تری داشت و از سوی دیگر دکه داران با مبارزه سایر کارگران و زحمتکشان بر علیه بیکاری پشتیبانی نمیشدند به چنان مقاومت قهرمانانه و حماسه باری دست زدند، شهر را با فریاد های مبارزه و مقاومت و با تظاهرات پر شور خود بلرزه در آوردند و خیابانها را از خون "سجادی"ها رنگین ساختند. اینبار نیز در مقابل اقدامات جنایتکارانه رژیم اسلامی و شهرداری تهران ساکت نخواهند نشست و جسوابندان شکنی به این اخطار خواهند داد و هرگونه اقدام رژیم را برای برچیدن دکه ها با مبارزه و مقاومت متحدانه خود پاسخ خواهند گفت.

اخطار رژیم در حالی که کوچکترین اقدامی در جهت تخفیف بیکاری صورت نداده است، همچنین ماسک عوامفریبی را از چهره کرده آن بکنار میزند و مشت مردم فریبی او را در مورد اینکه گمبیا بفکر چاره جوئی برای مساله بیکاری افتاده است، باز میکند و نشان میدهد رژیم جمهوری اسلامی ایران که در شرایط بحران نظام سرمایه داری تحت سلطه ایران، کمر به دفاع از سرمایه داری و بازسازی این نظام بحران زده و ضربه خورده بسته است؛ جز سرکوب مبارزه کارگران و زحمتکشان بیکار، اقدام دیگری نمیخواهد و نمی تواند که صورت دهد و هیاهو در مورد با اصطلاح چاره جوئی برای مساله بیکاری و اعلام تشکیل کمیسیون های پرمطرازی از وزیران و دمیدن در بوق های تبلیغاتی چیزی جز کوشش برای تفرقه انداختن در صفوف زحمتکشان و زمینه سازی برای سرکوب مبارزات آنان نیست.

کارگران و زحمتکشان ایران نیز بیکار نمی نشینند - آنان که تجربه دو سال مبارزه طوفانی علیه سرمایه داری و امپریالیسم و حماسه هایی همچون اعتصاب پرشکوه نفتگران قهرمان و قیام دلیرانه بهمن را در پشت سر دارند، نشان داده اند که بره های راضی در برابر اقدامات سرکوبگرانه رژیم نیستند و از حقوق مسلم خود صرف نظر نخواهند کرد. آنان هر توطئه رژیم را با اتحاد و تشکل خود و هر اقدام تبهکارانه آنها با مبارزه قهرمانانه خود درهم خواهند شکست و پرچم خونین انقلاب ایران را با مبارزه و اتحاد خود، تا پیروزی و برافراشتن پرچم جمهوری - کارگران و زحمتکشان بردوش خواهند کشید.

در رابطه با اخطار تبهکارانه شهرداری تهران اعلامیه ای از طرف "جمعی از هواداران کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری" منتشر شده است که ما در اینجا قسمتهایی از این اعلامیه را نقل میکنیم:

... شهرداری تهران بعنوان نماینده اجرائی سیاستهای دولت اولتیماتوم ۴۸ ساعته میدهد تا زیبایی شهر را به آن بازگرداند. به راستی آیا تمامی مسائل و مشکلات این شهر وند ان حل شده است که تنها بازکردن راه طبران پیاده باقی مانده باشد؟ آیا دیگر نارسائیهایی صیق اجتماعی از نظر رژیم ایران حل شده و تنها یورش مجدد به دستفروشان و دکه داران باقی مانده است؟ چرا بجای ایجاد "کار" برای زحمتکشان و حل مسائل اولیه و حیاتی آنها، وظایف قانونی خود را در تعقیب و سرکوب آنها جستجو میکنند؟

شهرداری تهران در پی اخطار ۴۸ ساعته وظایف قانونی خود را گوشزد نمیکند. ما بوظایف با اصطلاح قانونی شهرداری تهران بعنوان نماینده اجرائی سیاستهای دولت کنامسلا آگاهیم و خوب بخاطر داریم که در اجرای همان نوع وظایف قانونی خود سید محمد رضا سجادی را در تاریخ ۹/۱۹/۵۹ پیش چشم همکاران دکه دارش چگونه به شهادت رسانید. نظافت شهر و آراستگی آن از اولویت خاصی برخوردار است، اگر که شده به بهای خون "سجادی" های دیگر! ... ما با فریاد های رسای خود به کارگران و زحمتکشان انقلابی اعلام میکنیم:

رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر به دکه داران، این زحمتکشان حاشیه خیا بانها اعلام جنگ داده است. هشدار میدهم که این حکومت با اصطلاح حامی مستضعفان به بهانه "حفظ مصالح عمومی مردم" اخطار ۴۸ ساعته داده که وظایف قانونی خود را که چیزی جز همان قوانین آریامبری نیست با گلوله و گاز اشک آور یا جرا دهمیاورد. گوش رژیم ضدانقلابی گردان های مسلح زحمتکشان را در سنگرهای خیابانی مورد خطاب قرار داده است ...

ما با صدای هرچه رساتر هشدار میدهم که طغیتم گسترش مشکلات اقتصادی در مملکت دولت جمهوری اسلامی نه تنها هنوز به قانونی ترین، طبیعی ترین و مشروطترین خواست ما که همانا "کار" برای زنده ماندن است توجیهی نکرد بلکه زمینه را جهت یورش مجدد به ما فراهم میسازد.

ما اعلام میکنیم تا زمانیکه رژیم جمهوری اسلامی با اولسین خواست ما به شیوه های آریامبری مقابله کند ما قاطعانه به مبارزه با هر قدرتی برای زنده ماندن و سیرکردن شکم خود و زن و فرزند خویش ادامه خواهیم داد. اما ما میدانیم بدون حمایت فعال و گسترده همه برادران کارگر و زحمتکشان در این مبارزه پیروز نخواهیم شد.

ما در این مبارزه دست اتحاد خود را به سوی تمام کارگران و زحمتکشان ایران دراز میکنیم و آنها را بیاری میطلبیم.

پیروز باد مبارزات کارگران و زحمتکشان بر علیه حافظین سرمایه و نظم و قانون آریامبری! هرچه مستحکم تر باد پیوند سراسری کارگران و زحمتکشان در مبارزه علیه بیکاری

جمعی از هواداران "کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری" ۵۹/۶/۱۹

"علیه بیکاری تبهکاری مالی شمانیازمند است"

دنباله سرمقاله از صفحه ۲

دادند، توانستند دولت را وادار کنند که به صد و چند هزار نفر وام بیکاری پرداخت کند. اگر نیروی کارگران شاغل نیز به نیروی بیکاران افزوده گردد و اگر این نیروها در یک سازمان رزمنده متشکل شوند، این نیز قابل تصور است که بتوانیم دولت را و بقولی دولت مستضعفین را که گویا خود تن هم از حقوق کارگران و زحمتکشان دفاع میکند (شوخی نکند!) را وادار کنیم که بیمه کارگران را برسمیت بشناسد و بودجه‌ای به آن اختصاص دهد.

ممکن است دوستان کارگر وطن پرست و طرفدار جمهوری اسلامی بما خنده بگیرند که حالا که جنگ شده است و دولت بی پول است شعار به افلاس کشاندن دولت و تضعیف آن توطئه می‌چینید! مای گوئیم دولت چه ثروتمند باشد چه فقیر، حق تقادم را باید به کارگران زحمتکش بدهد که عمری زیر بار کمرشکن کار در میان چرخهای پروسروصدای کارخانه جان کند هاند. در حال حاضر که دولت حاضر نیست زنده گی "کسانی را که از گرسنگی می‌میرند تقبل کند، خودش طرحی را تصویب کرده است که کامیونهای خصوصی را که برای ارتش کار گرفته‌اند به قیمت روز بیمه نماید! میدانید این یعنی چه؟ یعنی اینکه دولت مالکیت خصوصی صاحب کامیون را از جان فرزند آن کارگران مقدس تر و ارزشمند تر میدانند! یا اصلاً چرا راه دور برویم خودتان میدانید که در حالیکه در این سرمای زمستان فرزندان زحمتکشان باید بالبالسپاهی که بزحمت برآی پوشانند تن های نحیفشان کافی است بر روی زمین سرد کپرهای یخ کردشان شب را به صبح برسانند دولت علیه فقط یک قلم ۳۶ میلیون تومان به آقای منتظری میدهد که خرج سیاه بازی های تلویزیونی آقای قرائتی بکند. مای گوئیم دولتی که با تقویت کارگران تضعیف شود همان بهتر که تضعیف شود. کارگران بیکار تا کون همیشه شعار ایجاد کار را داده‌اند. مبارزه برای ایجاد کار از طریق "اتحاد کارگری علیه بیکاری" به بهترین نحو قابل پیگیری است. اولاً همکاری سازمانهای کارگری و کارگران شاغل با "اتحاد کارگری" این سازمان را در اثنا از کارهایی که بطور مستمر در کارخانه های مختلف ایجاد میشود با خبر میسازد. امکان توسعه فعالیت تولیدی هر کارخانه (البته از طریق استخدام بیشتر کارگروه تشدید استثمار) در اثنا از طرف "اتحاد کارگری علیه"

بیکاری" کنترل و حسابرسی میشود. و از این طریق امکانات یافتن کار برای بیکاران، بشکل متعارف برفع کارگران سازماندهی میشود. و استخدام از طریق اعمال فشار خود کارگران شاغل به اجرا در میآید. از سوی دیگر فشاری که "اتحاد کارگری" میتواند به بین قدرت خود بر دولت وارد کند، این امکان را بوجود میآورد که در زمینه‌هایی، دقیقاً برفع کارگران و زحمتکشان کار همگانی ایجاد شود که در غیاب این فشار هرگز ایجاد نخواهد شد. فرضاً اتحاد کارگری میتواند طرحهایی را برای خانه سازی برای کارگران، خشکاندن کند آبهایی که در کوه های مسکونی زحمتکشان وجود دارد، کانال کشی فاضل آبهایی که زندگی محلات پست شهر را بر مردم تلخ کرده است، جاده سازی برای زحمتکشان که از زور گرانی به نقاط دور افتاده شهر پیاده پناه بوده‌اند، بساختن مدارس برای این محلات، تاسیسات برق رسانی، آبرسانی، ساختن تاسیسات بیمارستانی برای درمانگاهها در این محلات و غیره تهیه کند و با قدرت خود تخصیص بودجه لازم برای انجام این طرحها را که مستقیماً در جهت رفاه و آسایش بین زحمتکشان و در عین حال اشتغال بیکاران، با شرایط مناسب است به دولت سرمایه داران تحمیل نماید و از این طریق هم میتواند قدمی عملی برای حل مشکلات کارگران بردارد و از سوی دیگر نقاب از چهره عوامفریبان میاندازد. اینها در سببایی است که کارگران روسیه با تجارب موفق خود بما آموخته‌اند.

تجربه دیگر کارگران روسیه، که آموزگار بزرگی چون لنین داشته‌اند، بما می آموزد که میتوان مستقیماً "خواستار تغذیه بیکاران به هزینه دولت و سرمایه داران شد. میتوان غذا خوردن خوریهایی بوجود آورد که کارگران و آشنیزان و مامورهای رید آنها کارگران و زحمتکشان بیکار تشکیل بدهند و هزینه و مخارج آنها دولت بپردازد. در این غذا خوریها بیکار کارگران و زحمتکشان بیکار برایگان غذا بدهند. این یک طرح عالیست که قبلاً کارگران موفق به انجام آن شده اند.

باز هم این امکان وجود دارد که با فشار اتحاد کارگری علیه بیکاری و حمایت کارگران کارخانه‌ها، رستورانهای کارخانه-



حل فوری و سببایی بیکاری جز با برقراری سوسیالیسم امکان پذیر نیست!

های بزرگ را وادار کرد که سه یا چهار برابرندایی که امروز می‌بزند، غذا بپزند و از کارگران بیکار که "اتحاد کارگری" معرفی می‌کند پند بربایی کند.

اینها و دهها راه حل عملی دیگر راههایی هستند که "اتحاد کارگری" به برکت قدرت کارگران متحد میتواند برای حل نسبی مساله معیشت کارگران بیکار اتخاذ کند. لکن درجه موفقیت "اتحاد کارگری" بستگی تام بقدرت و همبستگی و حمایت کارگران از این سازمان، خواهد داشت. هدفی که بنظر ما این سازمان از بید و تاسیس باید مد نظر داشته باشد و در انجا برای دستیابی به آن تبلیغ و بسیج نیرو کند اینست که "اتحاد کارگری" باید بتواند به شعار "بخشی از تولید برای بیکاران" جاه عمل بپوشاند. "بخشی از تولید برای بیکاران" یعنی چه؟ یعنی اینکه "اتحاد کارگری" در سیستم تولید و توزیع سرمایه‌داری دخالت کرده و آنرا که به زیان کارگران و زحمتکشان عمل میکند، مختل سازد و اراده کارگران را، بنفع کارگران، جایگزین این نظم گرداند. اما چگونه؟

فرض کنید "اتحاد کارگری" تشکیل شده است و فرضاً در تهران صد هاهزار کارگر بیکار در آن نامنویسی کرده‌اند و از طرف دیگر کارگران شیو پاستوریزه، کفش ملی، جیت سازی، پالایشگاه و... هم به آن پیوسته‌اند. ما میدانیم که کارگران بیکار مانند همه برای ادامه زندگی، بهتر است بگوئیم برای ادامه مبارزه محتاج وسایل زندگی هستند، غذا میخواهند، پوشاک و کفش و... می‌خواهند. "اتحاد کارگری" میتواند محاسبه کند که این صد هاهزار بیکار در هر ماه چند جفت کفش لازم دارند و این مقدار کفش چند درصد تولید کارخانه‌های کفش سازی است. این را تعیین کند و مصادره این مقدار کفش را بفرماید. کارگران کارخانه کفش بگردان تا هر ماه این مقدار کفش را به "اتحاد کارگری" تحویل دهند و از این طریق در بین بیکاران توزیع گردد. بدیهی است که کارگران کارخانه کفش هم بمشکل چندانی برخورد نخواهند کرد چرا که صد هزار نفر پشتیبان فعال و مبارز خواهند داشت.

بهمین ترتیب، شیو، پنیر، کره، گوشت، روغن نباتی، نان، بیسکویت، نفت، پارچه، حتی مصالح ساختمانی و سایر مایحتاج بیکاران قابل تامین است. در مورد کارخانه‌هایی مانند جنرال موتورز، خاور، کاترپیلار و غیره که محصولات آنها بلاواسطه قابل مصرف نیستند اتحاد کارگری میتواند تخصیص بخشی از درآمد صاحبان و یا سهامداران و یا حتی بخشی از فروش کارخانه را با استفاده از نیروی کارگران آن کارخانه هابه بیکاران سازمان دهد.

با افزوده شدن تعداد اعضا بیکار "اتحاد کارگری" میزان این سهمها میتواند افزایش یابد و یا با وارد شدن کارگران

شاغل کارخانه‌های مشابه میتواند کاهش یابد، بهر حال سازماندهی این "توزیع" کارگری باید توسط "اتحاد کارگری" انجام شود.

ناگفته نماند که "اتحاد کارگری علیه بیکاری" سازمانی نیست که خیرش فقط به بیکاران رسد و در سرهایش از آن شاغلان باشد. "اتحاد کارگری" در زمینه جلوگیری از اخراج کارگران شاغل و تامین شغلی آنها، جلوگیری از بسته شدن کارخانه‌ها و اخراجهای دسته جمعی نقش پراهمیتی را میتواند ایفا کند. برای تحقق خواست کنترل و نظارت بر تولید میتواند کمک شایانی به کارگران بنماید. بطور کلی در هر جا که پای منافع کل طبقه در میان است "اتحاد کارگری" از نیروی خود آنچنان که باید استفاده خواهد کرد.

شک نیست که "اتحاد کارگری" هم بالغ شده زائیده نمیشود. فرض ما بر این است که اگر این سازمان باداشتن اصول و ضوابطی که خط مشی و شیوه حرکت آنرا در قبال مسئله بیکاری و عوارض آن بدرستی نشان دهد، اعلام موجودیت کند، است که تعداد زیادی از بیکاران و کارگران آگاه شاغل و بعضاً سازمانهای پیشرو کارگری به آن خواهند پیوست. "اتحاد کارگری" نیز مانند هر سازمان دیگری ابتدا قبل از دست زدن به هر عملی در پی کسب توانائی برای انجام آن خواهد بود. اگر این سازمان از همان ابتدا بتواند از نیروی بیکارانی که به او می‌پیوندند بدرستی استفاده کند قادر خواهد شد از طریق سازماندهی فعالیت مبارزاتی آنان، بسرعت حمایت کارگران شاغل کارخانه‌ها را کسب نماید. میتواند هیاتهای از کارگران بیکار را با اعلام صریح اصول برنامه عمل "اتحاد کارگری علیه بیکاری" به تک تک کارخانه‌ها گسیل کند تا اینان بطور سازمان یافته حمایت توده‌های کارگر شاغل را بسرای کمک به اهداف سازمان جلب نمایند.

شک نیست که همه این کارها مستلزم مبارزه و درگیری با پلیس و کمیته و ارتش و در مجموع دولت خواهد بود. کارگران همیشه آماده مبارزه برای خواست‌های برحقشان بوده‌اند و از مبارزه نیز هیچ هراس ندارند. اینبار دولت است که باید از مبارزه اش علیه کارگران بیکار هراس داشته باشد، چرا که کارگر بیکاری که برای جلب حمایت از کارگران شاغل برای نجات میلیونها انسان گرسنه به کارخانه آمده است، کسی نیست که براحتی به او مهر ضد انقلاب بزنند و کارگران هم صد ایشان در نیاید. به جرم خداشناسی تکفیرش کنند و خوشتر از حلال سازند و آب از آب تکان نخورد. اورا جلوی چشم کارگرسنوان دستگیرش کنند و در عین حال قیصر طرفدار "مستضعفین" -

بودن را هم در نمایندگی دولت این بار نمی تواند با هر دو دست بر فرقان بکوبد چرا که با یک دست باید چهره اش را بپوشاند .

آری بنظر ما اوضاع برای تشکیل ، رشد و قدرت یافتن چنین سازمانی مساعد است آنچه می داند یافتن شیر زنان و شیر مردانی است که سنگهای اول این بنا را کار بگذارند . وقتی میگوئیم بنظر ما اوضاع برای تشکیل ، رشد و قدرت یافتن چنین سازمانی مساعد است ، میدانیم و خوب هم میدانیم که عده زیادی برپیمان خواهند خندید ! چرا که برعزم آنها ما نهی گری میکنیم . آنهاست که چشمشان جلوتر از یکدیگر می رانند ، آنهاست که مانند سوسک وجود هر چیز را فقط با شاخک های حساسی خودشان از طریق ملامسه و مشاهده باور میکنند ، آنهاست که همیشه دنبال رو توده ها بودند و میخواهند که این چنین باشند ، آنهاست که از یک قدم جلوترند و وحشت دارند و بر ترس خود با تخطئه کردن آنها - میست ها اکثریت این ریشخند کنندگان را تشکیل میدهند . هر چقدر اکتونومیست ها بگویند که صحن نماز جمعه ها - هنوز لبریز از جمعیت است ، هر چقدر که بگویند کارگران هنوز طرفدار خمینی اند ، خلاصه هر چقدر که شاهد ایشان را به شهادت بگیرند باز هم ما میگوئیم اوضاع مساعد است اجرا که به اعتقاد ما انقلاب رو به اعتلاست . طولی نخواهد کشید که نه حاکمان توانائی حکومت کردن خواهند داشت نه توده ها تن به محکومیت میدهند . اما اینبار این توده ها - توده های دو سال پیش نیستند ؛ باندازه ده ها سال فوتد فن مبارزه را آموخته اند . اگر بخاطر بیاورید روزهای قبل از قیام را که چگونه فوج فوج روشنفکران به کارخانه ها میرفتند ، نطق های آتشین میکردند و فریاد " صحیح است کارگران فضا را پر میکرد ، آنوقت امکان اعزام هیأت های کارگران بیکار را به کارخانه ها خیالی باقی نخواستید ؛

اگر بخاطر بیاورید اعتصاب عظیم کارگران صنعت نفت را امکان صادره محصول کارخانه را بنفع بیکاران خیالی باقی نخواستید ؛ . . . آنچه می ماند اینست که ما بتوانیم بدست از این امکانات با یقین قدمهای عملی در هر مقطع در جهت پیشروی بسوی اهداف تاریخی طبقه کارگر استفساره کنیم . اینرا کمونیست ها از مدت ها پیش ثابت کرده اند که اعتلای نوین انقلاب در پیش است !

آنهاست که به علم باور ندارند صحت این حکم و حقانیت کمونیست ها را بزودی " مشاهده " خواهند کرد !



اما قبل از اینکه این مقاله را بپایان ببریم میخواهیم از همین حالا به پیشواز مدعیان و مخالفان بشتابیم . نظرات مطرح شده در این مقاله با توجه به گرایشات عمومی و غالب در سطح جنبش مورد مخالفت و عدم قبول عده زیادی قسرا خواهد گرفت .

اولین دسته از مخالفان کسانی هستند که میگویند : " شما میخواهید در نظم سرمایه اخلاص بوجود بیاورید و در عین حال امیدوار هم هستید که دولت سرمایه داران ساکت بنشیند و شما را نظاره کند ؟ او باتانک و توپ و مسلسل تار و مارتان خواهد کرد . تا قبل از بود آمدن جمهوری دموکراتیک خلق همه حرفهای شما باد هواست . تا قبل از سرنگونی این رژیم همه آنچه گفتید پندار بافی است " . . . این عده از مخالفان شاید اصلا " فراموش کرده اند که کمونیست ها وظیفه شان به اخلاص کردن در نظم سرمایه ختم نمیشود ، آنها خواهان نابودی سرمایه هستند و مبارزه با دولت سرمایه در هم کوبیدن آن و سازماندهی و هدایت مبارزه کارگران برای تصرف قدرت سیاسی اولین وظیفه آنهاست .

ما و همه کمونیستها میدانیم که به این منظور باید بهمسرا راه کارگران در مصافی علیه همه مدافعان تا دندان مسلح بورژوازی شرکت کنیم ، پسر شک نداریم که با سرکوب ، تفنگ ، توپ و تانک مواجه خواهیم شد .

ما بهیچ وجه این توهم را نداریم که دولت سرمایه داران ساکت بنشیند و نظاره کند تا " اتحاد کارگری " که در نظم سرمایه هم اخلاص میکند آموزش را رتی و فتق کند و حتماً به مبارزه خواهد پرداخت . اما اینکه عزا ندارد ؛ بسا مبارزه جوازش را خواهیم داد ؛ میگوئید چگونه با تانک و توپ مواجه خواهید کرد !

میگوئیم باید توجه کنید که ما طرح " اتحاد کارگری علیه بیکاری " را از سال ۱۳۵۰ عرضه نکردیم ، در سال ۱۳۵۹ خواهان آنیم ، زمانی که دو سال از انقلاب و مبارزات انقلابی میگذرد و هنوز مسأله قدرت در این انقلاب پاسخ خود را نیافته است قوای سرکوب دشمن کارآئی خود را از دست داده اند ، کثرت ستان قهرمان پرجم خونین انقلاب را هنوز بدوش میکشید ،

کارگران شاغل کارگران بیکار اتحاد اتحاد علیه بیکاری !

کارگران در خیا با آنها روزه میروند. دولتداران بام تا شام بر سرهم میکنند در این شرایط حتی به توانائی دشمن به کار برد توپ و تانک بمقیاس گسترده هم نباید مطمئن بود.

یا دیکتاتوری سرمایه یا دیکتاتوری پرولتاریا، جز ایندو هیچ تعادل با دوامی ممکن نیست. هر حالت بینابینی بی دوام و ناپایدار است اما غیر ممکن نیست. قابل تحقق بودن هر هدفی برادر مبارزه طبقاتی باید با سنجش موازنه نیروهای طبقاتی ارزیابی کرد نه شکل معینی از حکومت. دیکتاسی یا دیکتاتوری سرمایه در عصر امپریالیسم ابداً سازگار نیست اما خود شاهد بوده‌اید که ما بدون اینکه دولت سرمایه را سرنگن کرده باشیم از گسترده‌ترین آزاد بها در دو سال اخیر برخوردار بودیم. بر سر دانشگاه آرم داس و چکش قسوار داشتیم اجتماعات چندین نفری در حال خواندن سرود انترناسیونال بحرکت در می آمد. کارگران در کارخانه‌ها دیر-ان را حبس میکردند، اخراج می نمودند، مردم هنوز که هنوز است مسلح اند، در کردستان انقلابی "بنکها" مدت‌ها در انقلابی توده‌ها را اعمال میکردند... بدون اینکه جمهوری د مفراتیک خلق بر سر کار باشد!

اگر مبارزه طبقاتی را ببینیم و نه مرحله بندی مکانیکی تاریخ را آنوقت باور میکنیم که تحقق سازمانی چون "اتحاد کارگری" کاملاً مقدور و ممکن است و ابداً خیال‌بافی نیست.

نکنه دیگری را هم که باید برای چندمین بار تذکر بدیم اینست که ما (کمیته ایجاد) تحقق "اتحاد کارگری" را گامی در جهت پیشبرد مبارزه طبقاتی کارگران و در جهت پیروزی نهائی کارگران میدانیم و به همین خاطر است که برای آن مبارزه میکنیم. ما بیک سازمان رفرمیست که با حکومت بورژوازی سازگار باشد دل خوش نکردیم و میدانیم که "اتحاد کارگری" در نهایت با بتوسط حکومت کارگران و زحمتکشان تقویت می-گردد و کاملاً در خدمت اهداف تاریخی کارگران بسیج میشود و با بالاخره بتوسط حکومت سرمایه داران بخون کشیده خواهد شد. آنچه مسلم است نمیتوان تصور کرد که کارگران بقدورت برسند بدون آنکه در طول این راه توانایی مصادره بخشی از دسترنج خود را بنفع خود کسب کرده باشند!

دسته دوم کسانی هستند که می‌گویند: "اگر کارگران آنچنان متحد شوند که بتوانند در مقابل رژیم بایستند و اراده خود را بر آن تحمیل کنند چرا فقط از چنین قدرتی برای حل معیشت کارگران بیکار استفاده کنند و آنرا مستقیماً در جهت بیروتگونی و کسب قدرت سیاسی یکبار بگیرند؟"

این دسته از مخالفان هنوز در بند منطق ارسطوئوسی هستند و تصور میکنند که "توانایی" چیزی است که یا هست

یا نیست! و استدلالتان این است که اگر هست چرا ستر-نگون نم. کنند و اگر نیست این حرفها چیست که میزنید! از طرف دیگر اشتباه آنها اینست که سه بین آگاهی به منا-قع ملموس و آگاهی به منافع تاریخی، فرق نمی گذارند، همه نیروهایی که برای سوسیالیسم مبارزه میکنند در شرایط فعلی برای تحقق شعار "نان" هم مبارزه میکنند. این نه به آن خاطر است که دل کارگران را بدست آورند، بل به این علت است که آنها مکان "نان" و مبارزه برای "نان" را در مسیر حرکت بسوی سوسیالیسم بد رستی درک کرده اند. آنها فهمیدند که اگر برای رسیدن به قله مجبور باشیم از صخره‌ها لاریم برای بالا رفتن از آن صخره همانقدر باید تلاش کنیم که برای رسیدن به قله! آنها برای "نان" مبارزه میکنند اما "نان" - برای آنها هدفی در خود نیست.

پس آیا میتوان چنین تصور کرد که هرکس برای "نان" مبارزه میکند به آرمان تاریخی پرولتاریا می‌اندیشد؟ واقعیت این است که توده‌های میلیونی کارگران و زحمتکشان دنیا برای "نان" مبارزه کرده‌اند، لکن هرگز لحظه‌ای به ضرورت "سر-نگونی" نیاندیشیده‌اند. کارگران پیشرو و کمونیست میتوانند و باید در این مبارزه شرکت کنند، آنها سازمان داده و رهبری کنند و در عین حال مطمئن باشند که سرسوزنی از اصول عدول نکرده‌اند و مدتی هم از راه دور نیافتاده‌اند.

پیشروی حساب شده در این راه برای کارگران، اتحاد، آگاهی، نیرو و سایر ملزومات پیروزی در مبارزه را به ارمغان می‌آورد. بنا بر این میتوان گفت:

نیرویی که هم اکنون می‌تواند رژیم را در زیر فشار تعیین کند های قرار دهد و اراده خود را به آن تحمیل نماید لشکری است که عدالتا "بهر" "نان" است و هنوز نمی‌خواهد ولنتی را سرنگون کند و نیرویی که سرنگونی رژیم را به مثابه رفیع بزرگترین مانع پیشروی بسوی اهداف استراتژیک می‌خواهد بخشی از این لشکر است که خود بتنهائی نمی‌تواند چنین عملی را انجام دهد.

تصور میکنیم همین توضیح ما برای روشن شدن موضوع کافی است و نقد "منطق متافیزیکی" این دسته از مخالفان راهم لازم نمیدانیم. فقط به آنها توصیه میکنیم که کمی هم بجای گوش دادن به افاضات آقای عبدالکریم سروش و سایر فیلسوفان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، به نوشته‌های دیالکتیسین‌های ماتریالیست بپردازند.

دسته سوم از مخالفان آنهائی هستند که می‌گویند: "شما به جلب حمایت سازمانهای کارگری پیشرو ناتیکید"

از مبارزه معلمان اخراجی حمایت کنیم!

کارگران مبارز!

وجه ضروری سرکوب مبارزات کارگران و پس گرفتن آنچه که تاکنون با مبارزه مان بدست آوردیم، سرکوب مبارزات تمامی نیروهای مترقی و انقلابی از جنبش خلق کرد و شورا های انقلابی دهقانان ترکمن صحرا گرفته تا مبارزات دانشجویان و دانش آموزان می باشد. اخراج معلمان مترقی و انقلابی و بیکاری و خرد تبه بد به بیکاری گامی دیگر در این جهت است.

ما بدینوسیله کارگران مبارز را به حمایت از کلیه مبارزات دمکراتیک و از جمله مبارزه معلمان مترقی فرا میخوانیم. و خود با درج اخبار اخراج معلمان و افشای چهره کریسه رژیم پشتیبانی مان را از معلمان مبارز و اخراجی و هم چنین دانش آموزانی که به دفاع از آنان برخاسته اند اعلام میکنیم.

از طرف دیگر معلمان اخراجی باید بدانند که شیوه تبه بد به بیکاری و اخراج به آنان منحصر نیست و در درجه اول بر کارگران و به منظور سرکوب مبارزات آنان که اساسی ترین و تولد ناترین دشمنان رژیم جمهوری اسلامی هستند اعصاب میشود.

بنابر این موفقیت مبارزات معلمان انقلابی در گرو پیوستن آنان به صفوف رزمندگان کارگران بر علیه اخراج و بیکاری می باشد. بدنبال اخراج ۸ نفر از معلمان آگاه و مترقی نورآباد هستی توسط هیئت پاکسازی، عدای از مردم بطرفداری از آنها در تاریخ دهم آذرماه متحصن شدند و ضمن اعتراض به اخراج آنها خواستار متوقف شدن پاکسازی و بازگشت معلمان مزبور به کسار گردیدند. پاسداران بطرف مردم تیراندازی کرده و ۵ نفر راجه خاک و خون میکنند و تعداد زیادی را مجروح میکنند مردم جنازه شهدای خود را در شهر میگردانند و شعار میدادند. درگیری بین مردم و پاسداران ادامه پیدا کرد و تعداد کشته ها به دوازده نفر رسید. در شهر مقررات حکومت نظامی برقرار و از ورود روستائیان جلوگیری میشود. (نقل و تلخیص خبیر سراز کاراقلیت ۹۰)

در پی حکم تعلیق سه تن از معلمان آگاه و مترقی در شهرستان دخترانه امیر کبیر کلاچای از بخشهای شهرستان رود سرد انش-آموزان ضمن اعتراض خواستار لغو حکم تعلیق معلمان خسود شدند. گسترش مبارزه و اعتراض دانش آموزان منجر بهد رگیری باپسچی ها شده و مردم به حمایت از دانش آموزان دست به راهپیمایی میزنند. دانش آموزان در ادامه مبارزه خود در اداره آموزش و پرورش کلاچای متحصن شده و تصمیم میگردند که تا برگشتن معلمان اخراجی، کلاسها را تعطیل کنند. اخبار رسیده حاکی است مد رسه دخترانه را متحمل گردانند و منظور شناسایی و اخراج دانش آموزان آگاه و مبارز و معترض، مجدداً ثبت نام میکنند. (نقل و تلخیص خبیر کاراقلیت ۹۰)

پنج نفر از معلمان مبارز شهرستان ماسوله ممنوع التدریس شد مانند.

در بخش املش سه تن از معلمان مبارز اخراج و بجای آنان ساواکینهارا بکارگماشتتاند.

بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از معلمان مبارز بر وجه اخراج ششم اند.

تزدیک به ۸۰ نفر از معلمان مبارز شست اخراج و شد مانند.

رژیم جمهوری اسلامی بارها ثابت کرد ماست که از آگاه شدن مردم ما هراس دارد. اخراج ها، "پاکسازی" های دستم جمعی معلمان، ناشی از همین هراس رژیم از انتقال آگاهی به دانش آموزان میهن ناست. ارتام زیر کتف دانش آموزان اخراجی برخی مناطق را تا نیمه اول آبانماه نشان میدهد خود گویاتر از هر مطلبی سیاستهای ارتجاعی رژیم را نسبت به فرهنگیان مترقی و متعهد و انقلابی نشان میدهد.

در فارس ۱۵۰۰ نفر معلم ممنوع التدریس شد مانند (اخیراً ۵۳ نفر را با تعهد بکار برگردانده اند).

در استان کرمانشاهان ۵۰۰ نفر معلم را آماده خدمت اعلام کرد مانند و منتظرند که لایحه پاکسازی به تصویب مجلس اسلامی برسد تا این عده را اخراج نمایند.

در شهر صحنه (کرمانشاه) ۵۹ نفر از معلمان را از طریق نامه های بدوین تاریخ و امضا "معلق اعلام کرد مانند. مردم صحنه از معلمان انقلابی پشتیبانی میکنند.

در روجن ۱۳۲ نفر از معلمان از کار اخراج شد مانند.

در شهر کرد ۱۵۲ معلم از کارشان برکنار شد مانند.

بهتر است بدانیم چه کسانی حکم اخراج معلمان مبارز و آگاه را امضا کرد مانند. نمونه ای بیاوریم: در ساوجبلاغ رئیس هیئت پاکسازی "احمد وقاش" نام دارد وی از اعضای بسیار فعال حزب رستاخیز، کاندیدای حزب رستاخیز در مجلس شاه و از گردانندگان برنامه های آبان بوده است. توضیح این نکته ضروریست که آن عده از معلمان که در اثر مبارزه خود و پشتیبانی مردم حکم بازگشت به کار گرفتند، همچنان ممنوع التدریس هستند و شغل دفتری به آنها داده اند.



دنباله سرمقاله از صفحه ۱۸

دسته دیگر از مخالفان عدای هستند که میگویند: "اصولاً بیکاری در شرایط فعلی مساله مهمی نیست و نباید انرژی صرف حل آن کرد." و ما که به ابهار وحشتناک این فاجعه واقفیم به این دسته از مخالفان می گوئیم:

ما با شما بحثی نداریم شما بهتر است به وزارت کسار جمهوری اسلامی بروید، آنجا با حقوق مکفی استعدادات را خواصند کرد!



د نیاله سرمقاله از صفحه ۱۶
 بسیاری می گذارید. حال آنکه چنین سازمانهایی وجود
 ندارند و اگر هم باشند در حال اضمحلالند و لذا اشماعار
 غیاب چنین سازمانهایی شکست خواهید خورد"
 در جواب این عده باید بگوئیم سازمان کارگری پیشرو شاخ و
 دم ندارد! تجدید زیادی از این سازمانها هم اکنون وجود
 دارند و حتی اگر مضحل شده باشند یا مرده باشند با زهم
 غمی نیست چرا که کارگرانی که چنین تشکلهایی را ایجاد
 کرده اند زنده بمانند، زمینه های عینی چنین سازمانهایی حتی
 بیشتر از پیش وجود دارد و اگر کمونیستها و کارگران پیشرو
 بوظایف خود در آگاه کردن و سازمان دادن کارگران عمل کنند،
 بار دیگر این سازمانها با اراده کارگران ایجاد خواهند شد. ممکن
 است سطح آگاهی و تشکل کارگران در شرایط کنونی برای
 تشکیل چنین سازمانی (اتحاد کارگری علیه بیگاری) کافی نباشد
 لکن این واقعیت نمی تواند سرفرو آوردن و تسلیم شدن ما را
 بد آن توجیه کند. کارگران میتوانند و باید به چنان سطحی از
 آگاهی و تشکل ارتقا یابند و بسیار هم از آن فراتر روند. مانع
 میاید در جهت چنین هدفی مبارزه کنیم اما موفقیت در این مبارزه
 مستلزم شناخت مشخص کنونی آگاهی و تشکل کارگران و تعیین
 دقیق گامهای عملی است که ما را به این هدف میرساند.
 نمونه ای از این تشکلهای که نشان میدهند می توان باید گام
 های عملی ای را برای دستیابی به "اتحاد کارگری" تعیین
 نمود، شورای کارخانه "بنز خاور" بود * این شورا مدافع
 در مکراس، در کارخانه بود و در امر نظارت بر تولید و توزیع
 و امور کارخانه گامهای بلند برداشته بود. چند ماه پیش
 تحت رهبری این شورای مترقی ^{کارگران} و در بنز خاور با یک عمل
 حساب شده و سازمان یافته پس از اتمام کار روزانه در فتر مر
 کزی شرکت را که اجاره ماهانه آن چندین ده هزار تومان در
 ماه بود، علیه رژیم مخالفت مدیوان و رو ساختند و میزها
 مثبت کاری شده و صندوق های جرمی آنها به همراه سایر وسائل
 به محوطه کارخانه آوردند و حکم کردند که هر کس میخواهد
 کار کند صبح مانند ما بکارخانه می آید و کارش را انجام می
 دهد. کارگران نمی خواهند پولی را که میتوانند خرج بهبود
 وضع کار و کارخانه شود، شما صرف نشستن در ساختمانهای
 مجلل نشاند. این یک نمونه از قدرت کارگران بود. شاید
 بتوان گفت که عمل قاطعانه کارگران قهرمان "بنز خاور" از
 بعضی جهات بنفع شرکت تمام شد اما بجزرات میتوان گفت
 کرد که اگر سازمانی نظیر "اتحاد کارگری" وجود می داشت،

* می گوئیم "بود" چون از وضعیت کنونی این شورا اطلاع
 دقیقی نداریم.

میتوانست با اتکا به قدرت کارگران متحد "بنز خاور" ترتیبی
 بدهد که حاصل این عمل مستقیماً "بنفع کارگران باشد. مثلاً"
 این امکان وجود داشت که شرکت را مجبور سازند که کماکان
 اجاره ساختمان دفتر مرکزی را بپردازد؛ اما کارگران بیگار و
 خانواده آنها در ساختمان اسکان داده شوند. این عمل کار
 گران "بنز خاور" را از چنان محبوبیتی در بین کارگران بیگار
 برخوردار میساخت که دیگر احدی جرأت نمیکرد به نما بیند
 شورای "بنز خاور" چپ نگاه کند! چنین کاری در صورت وجود
 "اتحاد کارگری" ممکن بود و هنوز هم در نشده است.
 از سوی دیگر باید بگوئیم ما مطمئنیم که با آگاه کردن توده
 ها، بد صور توده کارگران، به ضرورت تشکیل اتحاد کارگری
 علیه بیگاری و نشان دادن قابلیت ها و کارائی های آن،
 بسیاری از روابط تشکیلاتی مست شده قبلی در خدمت
 دستیابی به اهداف عاجل کارگران احیاء و بازسازی خواهد
 شد.
 در حته چهارم کسانی هستند که می گویند:
 "حرف های شما درست است، اگر کارگران بیای تشکیل
 "اتحاد کارگری علیه بیگاری" بیایند، همه حرفهای شما
 معقول است، اما شما ذنیت خود را به جای واقعیات می
 نشانید چرا که امروز ساله کارگران چیز دیگری است و اصلاً
 به مساله بیگاری اهمیتی نمی دهند."
 این دسته نیز کارگران را جانورانی تصور می کنند که قسا
 بلیت برداختن به عیب مساله ای را ندارند مگر مساله ای که
 به احساس آنها در بیاید! این نه تنها یک انحزاف بلکه یک
 توهمین به کارگران است.
 فرض کنید باز هم در طپس زلزله آمده و هزاران نفر
 کشته و مجروح و بی خانمان شده اند. اگر کسی از کارگران
 تهران بخواهد که بیاری زحمتکشان طپس بشتابد لابد شما
 به آنها میگوئید، "سعی بیخورد نکنید، این مساله کارگران
 نیست. زلزله برای کارگر تهرانی ملموس نیست!..."
 درست است؟ آیا همین را میگوئید؟
 خیر، اینچنین نیست. کارگر برخلاف شما درک میکند
 فی فهمد، فکر میکند، تصمیم میگیرد. اگر بتوان او را برای
 کمک رسانی به زلزله زدگان فرا خواند و اگر او نشان داده
 است که فعالانه و بیش از هر کس دیگر در چنین مواقعی تلاش
 و احساس مسئولیت میکند، بسادگی می توان نتیجه گرفت که
 به طریق اولی برای حل مساله زنده ماندن سه میلیون کارگر
 و زحمتکش همزمش، در زمستانی که در پیش است مصرانسه
 تلاش خواهد کرد، کافی است که بدانند که تلاش و حاصل
 زحمت و مبارزه اش مشعر شمر خواهد بود.

گزارشی از شورای بیکاران شیراز و سخنی با فعالین آن!

یکی از رفقای ما از "کانون دیلمه های بیکار شیراز" برای ما گزارش مختصری از چگونگی فعالیت این کانون در سه ماهه اخیر فرستاده است.

لازم میدانم که بخشهایی از گزارش را در اینجا منعکس کنیم تا خوانندگان علمیه بیکاری و هواداران کمیته ایجاد "در جریان کار این کانون" قرار گیرند و پس از آن سخنی با فعالین ایمن "کانون" و رفیق گزارشگرمان داریم که طرح خواهیم کرد.

گزارش حکایت از این دارد که:

کانون پس از یک دوره اختلاف بین شورای مرکزی ۵ نفره آن با تشبیت این نظر که "مجمع عمومی رکن اصلی تصمیم گیری میباشد همیشه نمایندگی را انتخاب کرده و به کار کمیته ها رسیدگی می کند" به کار خود ادامه داد. هیئت نماینده جدید با کمیته کار خود را شروع کرد، که این کمیته ها عبارت بودند از:

۱- کمیته فرهنگی: کارش نوشتن اعلامیه، روزنامه دیواری، برپایی نمایشگاه و ... است.

۲- کمیته انتشارات: کارش بحث روی مسئله بیکاری، پخش اعلامیه هائی در این رابطه و بردن مسئله بیکاری بین توده ها.

۳- کمیته خدمات و امور مالی: کارش در رابطه با پخش سیگار در محلات فقیر نشین و ...

۴- کمیته تحقیقات: تحقیق درباره اخراج هائی که صورت می گیرد و استخدام هائی که انجام میشود.

هرکدام از اعضای شورا در یکی از این کمیته ها اسم نوشتند و بعد از این موضوع اعضای کانون به این نتیجه رسیدند.

که شورا باید چهارچوب برنامه اش را مشخص کند و در غیر این صورت عملاً هیچکدام از کمیته ها نمی توانند کار کنند و مثلاً در موقع نوشتن شعارها و اعلامیه ها و سایر برنامه ها مشخصاً هرکدام از اعضا می خواستند خط خودشان را جایبندازند و اختلافاتی بوجود آمد که عملاً جلو فعالیت را می گرفت.

بعد تصمیم گرفته شد که بحث هائی بصورت مجمع عمومی تشکیل شود و نقطه نظرات کانون را روی علل بیکاری، حد و برد برخورد به دولت، بیکاری چگونه حل میشود ... مشخص کنند که البته این بحث ها هیچوقت در کانون تشکیل نشد.

در همین موقع یک نفر پاسدار هم آمد و عضو کانون شد.

این آقا از این سردرگمی و بی برنامهگی کانون استفاده کرد و برنامه های خودش را غالب کرد.

بعد چند نفر از اعضا گذشتن کلاسهای امدادگری و کمکهای اولیه را پیشنهاد کردند.

دند و هد فاین کلاسها این بود که اولاً کانون از این حالت بی برنامهگی در بیاید.

ثانیاً از طریق رفتن بین مردم جنگزده و کمک به آنها شورای بیکاران و اهداف آنها به مردم بشناسانند.

و وقتی که کلاسها تمام شد قرار شد جمععی گذاشته شود و تصمیم گرفته شود کسانی که این کلاسها را گذر

اند و اند کارکنند. عده ای می گفتند با جوی که حاکم است بما اجازه نمیدهند که با بازویند و آرم شورا کارکنیم. پس خودمان مستقلاً با آرم میرویم و لازم به اجازه گرفتن از اداره بهداشت و بهزیستی نیست. عده ای دیگر میگفتند، باید بی آرم برویم. خلاصه روی این موضوع رای گیری شد که هرطر حی که بیشتر رای آورده آن اجرا شود. رفتن با آرم بیشتر رای آورد. گروه مقابل در این موقع طرح کردند که این مجمع صلاحیت ندارد و نمی تواند چنین تصمیمی بگیرد. بالاخره هم کار به نتیجه قطعی نرسید. روی این موضوع قرار شد مجمع دیگری گذاشته شود.

..... مسائلی که بطور کلی در کانون دیده میشوند. (از نقطه نظر رفیق گزارشگرمان)

۱- بی توجهی به وجود پاسدار

۲- بی توجهی نسبت به بیکاری که البته این موضوع ناشی از بی برنامهگی گروههای است که در آنجا فعالیت میکنند.

۳- آمدن اکثر اعضا نه بخاطر تشکل بیکاران و عده گی مسئله بیکاری با توجه به حد و سهمیلیون بیکار بلکه بخاطر گذاشتن قرارها و فروختن نشریات و احیاناً بدست آوردن هواپاز این بچه های بی خط است.

.....



ما در شماره آینده "علیه بیکاری" نقدی به مراومه کانون دیلمه های بیکار تهران خواهیم داشت که در خطوط کلی می تواند منعکس کند نقطه نظرات ما درباره اینگونه تشکلهای باشد. اما در اینجا به ذکر چند مورد کوتاه درباره کانسون شیراز باید بپردازیم:

کانون نمی داند که چه اهدافی را دنبال می کند.

شورا تنها و تنها به "چگونگی ها" می پردازد. "چگونه" به میان توده ها برویم، "با آرم یا بی آرم"، "چگونه تبلیغ کنیم" کمیته خدمات، فرهنگی و ... تشکیل دهیم.

- اصولی ترین ضابطه تشکیلاتی یک تشکیلات توده ای که مجمع عمومی حق تصمیم گیری در موارد مورد اختلاف را دارد بر احس در تشکیلات بوسیله هر فراکسیون زیر گذاشته میشود.

.....

شاید دیگر لازم نباشد که به توضیحات بیشتری در این موارد بپردازیم. زیرا اشکالات و انحرافات "کانون" به مراتب آشکارتر از آنست که توضیح بیشتری را لازم داشته باشد.

اما سخنی داریم با فعالین این عرصه، بخصوص فعالین "کانون دیلمه های بیکار شیراز".

رفقا!

آیا حق داریم در شرایط حاضر که بیکاری مسئله مرگ و زندگی میلیونها کارگر شده است؛ زمانیکه شدیدترین بحرانهای نظام سرمایه داری گریبانگیر جامعه ماست و ابعاد نتایج آن با جنگ به مراتب تشدید شده است. زمانیکه رژیم جمهوری اسلامی

با سیاست های ضد کارگری ساز و دهل مبارزه " ضد امپریالیستی اش " تنها و تنها می تواند گلوله هایش را در سینه کارگران و انقلابیون بشاند . زمانیکه صدای نزدیک شستن مارش های خیابانی کارگران را دیگر حتی از زبان نمایندگان بورژوازی نیز می شنویم . زمانیکه صدای مرگ رژیم سرمایه داری دیگر حتی از خرنا س های روزانه نمایندگان اعظم اش شنیده می شود . زمانیکه مبارزه انقلابی کارگران ما را فرا می خواند . می پرسیم ، آیا حق داریم در چنین شرایطی مبارزه را بخاطر مباحثات اندر باب " کمیته " بند بیهای کذائی ، " یا آرم یا بی آرم رفتن به میان توده ها " ، " تحقیق " های بدون هدف و ... تعطیل کنیم ؟

آیا حق داریم پرشورترین کارگران و عداق ترین انقلابیون را به کار روزنامه د یواری که مطمئنا مضمون آن از حد درخواست خبرخواهی از درگاه دولت سرمایه داران فراتر نرفته است د می مشغول سازیم ؟

آیا حق داریم محظی از " بیکاران " داشته باشیم که قبل از هرچیز به فکر ارضا احساسات انقلابی خود ، به فکر کار ترشدن ، به فکر کار نه برای ارتش وسیع کارگران بیکار ، بلکه برای چند ، بله چند دیلمه ، کارگر یا غیر کارگر است ؟

آیا حق داریم کارگران و انقلابیون صادقی را که می باید گامهای عملی برای مقابله با بیکاری را نشان دهند ، گردانهای کارگران را آرایش دهند ، عرصه های مبارزه بر طبقه بورژوازی را سازند ، می کنند و بالاخره می باید زمین داغ زیر پای کارگران را به آتش جهنمی برای دشمنان کارگران تبدیل سازند ، با لاپوشانی اهداف نهائی روانه بخش سیکار و

به آتش جهنمی برای نابودی دشمنان کارگران تبدیل سازند با لاپوشانی اهداف نهائی روانه بخش سیکار و چسباندن روزنامه د یواری کنیم ؟

آیا حق داریم کانونی را که توان بالقوه شرکت فعال در مبارزه برای سازماندهی یک مقابله رویاروی و همه جانبه با بورژوازی را دارد به کانونی برای شکار هوادار ، برای کند کردن حرکت ، برای دلسرد کردن توده های کارگر و زحمتکش از مبارزه انقلابی تبدیل ساخت ؟

می پرسیم آیا حق داریم ارتش عظیم بیکاران را که اکنون دیگر آماده توفانست ، از یاد ببریم و به این دل خوش داشته باشیم که " باید اید بیکاری را بین توده ها ببرد " ؟ انگار که میخواستیم فرضیه های انیشتین را به میان " توده ها " ببریم ، انگار که بیکاری خود مسئله گرسنگی و درگیری و فقر میلیونها نفر نبود و تازه باید ما آنها را برایشان ببریم . مطمئن باشیم د وستان ، زحمتکشان خود می دانند بیکاری چه طاعونی است آنها از ما " تبلیغ بیکاری " را نمی خواهند . بلکه راه های عملی و انقلابی مقابله با آن را می طلبند . مقابله با طاعونی که هم اکنون کارگران و زحمتکشان بی شماری را از توان می اندازد ، فرسوده میکند ، طاعونی که مرگ تدریجی کارگران را هم اکنون به مرگ و میرهای ضربتی تبدیل ساخته است .

روی سخن ما با شما فعالین " کانون " و " کانونها " ست ! شما می توانید " کار برای کانون " را نه یکبار بلکه هزارها بار تجربه کنید ، نتیجه بگیرید ، جمع بندی کنید ، گفته بسوجود

آوردید ، منحل کنید ، کلاس آمد ادگری که سهل است هر کلاسی را که لازم می دانید ، تشکیل د هید . تمامی اشکال و ابزارها بی را که برای " مبارزه " به فکرتان میرسد به کار بندید . سیکار در محلات فقیرنشین پخش کنید ، پخش نفت را سازماندهی کنید . دارو را به دورترین نقاط برای زحمتکشان برسانید و ... اما هنگامیکه نتوانید مبارزه خود را در خدمت بسه اهداف انقلابی معینی د آورید که باید آنها آگاهانه بشناسید ، نه تنها قد می در راه مقابله با بیکاری ، قد می در راه از میان برداشتن موانع حرکت توده های محروم ، قد می در راه اعتلای مبارزه انقلابی برنده آشته اید بلکه حتی خود سدی در مقابل این حرکت شده اید !

رفقا !

ما نقطه نظرات خود را تاکنون در باره اهدافمان به کرات گفته ایم ، در باره آن تشکیلی (اتحاد کارگری علیه بیکاری) که عزم جزم کرده ایم تا با نیروی فعالین جنبش کارگری ، با نیروی انقلابیونی که برای متحقق ساختن آرمانهای پرولتاریای انقلابی مبارزه می کنند با نیروی کارگران شاغل و بیکار بوجود آوریم آن تشکیلی که برتوان انقلابی توده های وسیع کارگری متکسی است ، برای اهداف معینی مبارزه می کند ، و می تواند هر نیرویی را که پیشبر د این اهداف را بپذیرد ، برای متحقق ساختن آن در این تشکیلات بکارگیرد . آنوقت دیگر به مراتب مجهزتر به استقبال مبارزه می شتابیم ، آنوقت با فعالیت هد فمند خود جلوی نفوذ جاسوسان و خدمتگذاران بورژوازی را به مراتب قوی تر سد خواهیم کرد . آن زمان هد فمند بودن تشکیلات مانع از گنجی و سردرگمی آن و مانع از آن خواهد شد که هر تازه وارد از راه رسیده ای اساسی ترین اهداف آنها ، مبرترین وظایف آنها ، هویت انقلابی آنها بر زیر سوال بکشد .

ما برای بوجود آوردن این چنین تشکیلاتی مبارزه می کنیم . اکنون از شما نیز می خواهیم تا ما را در این راه یاری د هید . زنده نمودن و تد اوم بخشیدن مبارزه انقلابی تا نه تنها یاری نمودن به ما بلکه کمک به کارگران ، کمک برای متحقق نمودن اهداف انقلابی پرولتاریای ایران است .

و برای ابتکار در حله اول مجمع عمومی کانون را برای روشن کردن اهدافمان ، برای یافتن راه حل عملی مبارزه انقلابی بی بر طبقه بیکاری ، برای جلب کارگران شاغل و بیکار به این مبارزه ، فراخوان د هید . عملکرد هایمان و نتایج آنها آگاهانه به نقد بکشید . و این فرصت را برای توده های بیکاری که چشم امید شان به کانون است بوجود آورید تا تمامی نقطه نظرات را برای مقابله قطعی با بیکاری بشنوند . تصمیم بگیرند و در سازماندهی مبارزه برای آن اهدافی که تشبیت می کنند خود فعالانه شرکت کنند .

د وستان ، زمان میگذرد ، کارگران ، توده های بیکار ، مبارزه انقلابی ، به نیروی ما احتیاج دارد باید دست بکار شد .

* * * * *

در انتها صحبت کوتاهی با رفیق گزارشگرمان داریم . رفیق ! گزارشتان را از این به بعد با دقت بیشتری تنظیم

دنباله دروغ مصلحت آمیز از صفحه ۱

داری دیگر- نباید انتقال رهیب معجزه را داشته باشیم
و بالاخره میخواهیم ببینیم که اگر اینطور است پس -
کارگران باید به کجا و به چه کسی امید ببندند و -
باصلاح باید انتظار معجزه از چه نیروئی را داشته -
باشند ؟

آقا و رجائی در اواخر مرداد ماه یعنی در همان اوایل
انتخاب شدنش برای نخست وزیری و طی يك مصاحبه مطبوعه
- عاتق بر نامه خود را برای مسائل و مشکلات مختلف
اعلام کرد و اینکه چگونه برای رفع و رجوع کارها و باز
کردن گره ها همت خواهد کرد و چه کارهایی را خواهد -
انجام دهد و ... برای مصاحبه وقتی از نخست وزیر -
" مکتبی" میپرسند برای بیکاران و حل مساله بیکاری
چه برنامه ای دارد پاسخ میدهد :

**"برنامه خاصی که علاوه بر این ایجا نکار و وسیله حرکتها ی
تعماری باشد، ندارد و معتقد هستم که با دیدن اقدامات فعلی که در
برادران ما که در دولت قبلی عمل میکردند، از این برنامه مراضی
بودند. ولی فقط باید کمی کیفیت آنرا برای تولید بالا برد."**

همین ؟ بله همین ! تمام برنامه آقا و رجائی -
برای غول باشناخ و دم بیکاری و برای بیشتر از سه میلیون
بیکار و فرزندانش و خانواده هایشان همین است : تشکیل -
شرکتها و تعاونی ! اینکه تا تشکیل این شرکتها بیکاران
هیچایست چه کار کنند و نان فرزندان و خانواده هایشان
و برای اینکه از گرسنگی نمیرند و خرج دوا و درمانشان
را بپردازند و آنکه بیماری از ایشان نیاورد و خرج کفتر
و کلاه و لباس و پوشاکشان را بپردازند و آنکه از سرما و گرما و -
باد و باران و برف در امان باشند و کرایه خانه شان را
بپردازند و آنکه صاحبخانه از آنجا بیرونشان نکند و چل و -
پلاستان را بدینا بمان نریزد و ... از کجا تا همین کنند و
ایشنا دیگر برای نخست وزیر مکتبی جمهوری اسلامی و این
" مقلد امام و برادر رئیس جمهور و فرزند مجلس" مهم
نیست و اصلا ربطی به او ندارد . او جز طرح تشکیل تعاونی
های و مبارزه با بیکاری و برای حل یکی از مهم
ترین مشکلات جامعه و مشکل مرگ و زندگی میلیونها نفر
فکر و برنامه دیگری ندارد و برای اینکه کامت روشن شود
که آقا و نخست وزیر چه میگویند کافی است توجه کنیم
که تنها چند روز پیش از همین مصاحبه و که از آن صحبت
می کنیم و نعم زاده وزیر کار پیشین (که در کابینه
مکتبی هم به وزارت صنایع و معادن رسید) در طی يك -
مصاحبه صریحا گفته بود که تعاونی ها تا کنون حداکثر
بین ۵ تا ۱۰ درصد بیکاران را جذب کار کرده اند (که چنان -
اواسط مرداد) و وزیر کار مکتبی یعنی آقا و صادق هم -
چندی بعد (سوم آذرماه) بطور دقیقتری میگوید که "یا
درصد بیکاران در طرحها و تعاونی جذب شده اند " -
(که چنان - چهارم آذر) و اضافه میکند که "بگمان من -
یعنی بگمان آقا و وزیر - حدود ۷۰٪ طرحها و شرکتها ی -
تعاونی یا شکست مواجه خواهند شد " (انقلاب اسلامی -
چهارم آذر) و باین ترتیب " تو خود حدیث مفصل بخوان

از این مجمل ! "حسن" کابینه و نخست وزیر مکتبی -
همین است . اگر اینها نیز مثل همیا لگیا و لیبرالان
نمی خواهند و نمی توانند و بنفشان نیست که گامی -
در جهت حل مشکل بیکاری بردارند و نمی خواهند و نمی -
توانند که فکری برای میلیونها بیکار و خانواده هایشان
بکنند و گره های مشکلاتشان باز کنند و از این جهت هیچ -
فرقی باهم سفره های لیبرال خود ندارند و اما این -
فرق را با آنها دارند که حتی وعده هم نمی دهند و بعبار
- ت دیگر حاضر نیستند حتی در حرف نیز حقوق کارگران را -
پرسیم بشناسند و از همان ابتدا آب پاکی را بر دست -
آنان میریزند . از نظر این آقایان انقلاب برای " خر -
بزه و نان " نبوده است چرا که آقا و نخست وزیر در همان
مصاحبه اعلام کرده اند که " خربزه و نان " در رژیم -
گذشته هم فراهم بوده است - و معلوم است برای چه کسی
بله ! انقلاب برای " خربزه و نان " نبوده است که -
اکنون کسی مدعی آن بشود ؟ انقلاب برای " مکتب " بوده
است و اگر کسی بخوهد جرئت بدهد و هوس " خربزه و نان " -
بکند و یا از اقتضای - یعنی همان " خربزه و نان " که
بنظر امام زیر بنا و الاغ است - سخنی بپایان بیاورد -
باید با جماعی سرکوب خدمتگر رسید و با گلوله پاسداران
" مکتبی" سرمایه نهادن را درخت . آقایان مکتبیها چیز
" معنویت " و اگر بخواهیم بزبانیکه برای کارگران -
بیکار در اندیشه ، دورود و اصفهان و ... ترجمه کرده
ه اند صحبت کنیم جز سرکوب و کشتار رهیب وعده دیگری -
ندارند !

پس از این مصاحبه دیگر مدتی از " بیکاری " و -
" بیکاران " در کابینه مکتبی نیست . آقایان کارها و
مهمتری دارند که باید انجام بدهند : حل و فصل مسئله
گروگانها و دعوا با لیبرالها بر سر قدرت و برای اینکه -
کدامیک بهتر می توانند انقلاب را سرکوب کنند و نامن
زدن به جنگ برای بهتر سرکوب کردن انقلاب و ...
بالاخره پس از سه ماه یعنی در اوایل آذرماه و -
بمهمت و مبارکی وزیر کار مکتبی هم تعیین میشوند و -
ایشان یعنی آقا و " محمد میر محمد صادقی " در طی يك
مصاحبه مطبوعاتی برنامه هایشان را اعلام میکنند . -
ببینیم ایشان چه گلی جز آنچه لیبرالها و نخست وزیر -
مکتبی بر سر کارگران بیکار زده اند و بر سرمان میزنند .
آقا و وزیر در همان ابتدا و مصاحبه میگویند که :
" امروز شاید در خارج از وزارتخانه برای مردم و حتی -
کارگران چنین تفهیم شده یا تفهیم کرده اند که وزارت
کاره خانه کارفرماست این مسئله علل و ریشه ها و -
مختلفی دارد . یکی ناشی از تبلیغات است که علیه این
وزارتخانه و نظر آن میشود و موضوع دیگر فرصت کم مستو
- لعین در تدبیر قوانین بوده است . " عجب ! پس معلوم
میشود که وزارت کار نه خانه کارفرما بلکه خانه کارگر
است و این هم از آثار فعالیت " ضد انقلاب " و " ستون -
بنجم دشمن " است که با تبلیغات مغرانه خود این

وزارت خانه را « بدنام » کرده اند و لابد اصلا بین وزا-
رتخانه همچنان و حتی در قبل از قیام و در زمان رژیم شاه
هم در خدمت کارفرمایان نبوده و لکن در خدمت کارفرما
به نامش قشمته است. اما معلوم نیست که چرا آقای-
وزیر که اعتقاد دارند وزارت کار نه خانه کارفرما-
بلکه خانه کارگراست از کمبود « فرصت » مسئولین-
وزارت کار مینالند، معلوم نیست که وزارت خانه ای که
بدلیل « کمبود فرصت » نتوانسته است قوانین آریا-
مهری را تنبیر کند و کارش اجرائی قوانین آریا مهری-
بوده است چگونه نه خانه کارفرما و در خدمت آن بلکه-
خانه کارگرو در خدمت کارگر بوده است. معلوم نیست که
چگونه مسئولین که برای تقدیم لایحه لئونوفاون « طلاغر
- تی » سود ویژه و ربوین بخشی از ستمزد کارگران «
برای اجرائی قوانین آریا مهری کاربیرای حمایت از کارفرما

یان در اجرائی ماده ۳۳ و جنبه قانونی دادن به اخراج
کارگران و ۵۰۰۰ به اندازه کافی فرصت داشته اند، برای
تخمیر قوانین « طاغوتی و آریا مهری کار فرصت کم آوردند-
اند؟! معلوم نیست ۵۰۰۰؟! »

بگذریم که اگر بخواهیم همه سخنان آقای وزیر را
جز « بجز » بررسی کنیم و شروع ها و نکات خرد کارگری آنرا
افشا کنیم « منتهی و هفتاد من کاغذ شود » بنا بر این
اجازه بندهید صرفا به سخنان ایشان در مورد بیکاری
بپردازیم.

وزیر کار در پاسخ به این سوال که « تا کنون آمار
مختلفی از میزان کارگران بیکار ارائه شده است. اگر
ممکن است میزان دقیق کارگران بیکار را در شرایط-
حاضر بفرمائید؟ » اظهار میدارد « آمار که در-
اجتیار من و شما قرار میگیرد متداول یک سری بیکاری
ها و علنی است و یک سری هم شامل بیکاریهای خفته
یا پنهان آمارهای که در مورد بیکاری آشکار به من
داده اند تعداد بیکاران کشور را حدود ۵۰۰ هزار-
نفر برآورد کرده است که البته این آمار متعلق
به زمان قبل از شروع جنگ است پس از شروع جنگ نیز
طبیعتا مقداری دیگر بر این تعداد اضافه شده است
چون همانطور که میدانید تعدادی از کارخانجاتها توسط
رژیم بعث عراق بمباران شده است. » (جمهوری اسلامی
آذر)

علیرغم این شاخ و آن شاخ پریدن و بیجا ندن مساله
بیکاری آشکار و پنهان و ۵۰۰ آقای وزیر کار و
راست شروع میگویند و کارشان را با شروع کرد
- هاند. ما نمیبگوئیم که چون آقای وزیر کار در
وامن وزارتخانه ای است که بهتر از هزارگان دیگری در
جریان بیکاری وسیع کارگران قرار دارد بنا بر این
میبایست دقیقتر از هر کس دیگری آمار دقیق بیکارا
سزوانیکه تعداد آنها نیز به میلیونها میزند اطلاع
داشته باشد اما آیا ایشان در این مملکت زندگی
مینکنند؟

آیا ایشان از تعطیل شدن کارخانه بدلیل فرار سرمایه داران
اطلاع ندارند؟

آیا ایشان نمیدانند که چه تعداد از سرمایه داران
بدلیل کم شدن سودشان و بدلیل مبارزات کارگران و عدم
امنیت سرمایه شان ۵۰۰ کارخانهها ایشان را تعطیل و
یا نیمه تعطیل و کارگران را بیکار کرده اند؟

آیا ایشان نمیدانند که چه تعداد زیاد و از کارخانه
- ها بدلیل نبود یا کمبود مواد اولیه یا بالکل
تعطیل شده و یا مقداری از کارگران آن اخراج و بیکار
شده اند؟

آیا ایشان خبر مبارزات کارگران بیکار پروژها و-
آبادان، شوری، موسسات اتحادیه سراسری کارگران-
بیکار در تهران و ۵۰۰۰۰ خبر تحصن کارگران بیکار در
وزارت کار، وزارت دادگستری و ۵۰۰۰۰ خبر راه پیمانیها
- و کارگران بیطرف منزل آیت الله لقا نی هجرت ۵۰۰۰
خبر تظاهرات بیکاران در نورود، ندیشه، ماضیان و
۵۰۰۰ و دیگر داران در کرج و تهران و ۵۰۰۰ که بوسیله پاسد
ساران مکتبی سرمایه بخت و خون کشیده شدند و ۵۰۰۰ را
نمیپندند؟

آیا ایشان در روزنامهها ننخوانده اند که کنفرانس را
اقتصادی که در زمان همین رژیم جمهوری اسلامی-
بوسیله همین رژیم تشکیل شده است تعداد بیکاران را
بیشتر از سه میلیون نفر تخمین زده است و آقای « توبرو »
که هم در کابینه لیبرالها و هم در کابینه سکتیها
- رئیس کل بانک مرکزی بودند و هستند - به قلم اعلام
کرده اند که تنها در سال ۵۹ هجری ۲۰۰۰۰۰ نفر-
نیروی کار وارد بازار شده اند که هیچ بله جیب -
فکری برای اشتغال آنها نشده است؟

آیا ایشان نمیدانند که اقتصاد دانان رژیم نیز معترفند

که در حال حاضر بطور تقریبی میتوان گفت که در صد
بیکاری در بخش کشاورزی بین ۱۰-۲۰ درصد در بخش
صنعت بین صفر تا ۱۰ درصد در بخش خدمات بین ۵ تا
۱۰ درصد و در بخش مزد و حقوق بگیران در نوسان
بین منهای ۵ درصد و بعلاوه ۵ درصد میباشد. با این
حساب نرخ بیکاری را میتوان حول ۲۸ درصد تخمین زد
تقریبا رقمی نزدیک به سه میلیون نفر (کیهان ۱۸-
آذر)

آیا ۵۰۰۰؟

آیا آقای وزیر کار مکتبی کابینه مکتبی که در مکتبشان دروغ
گفتند - البته برای کارگران و حمایتکنان و نه برای
سرمایه داران و دولت سرمایه داری - از گناهان کبیره
استهانتها را نمیدانند؟ بنظر ما چرا میدانند و
خیلی خوب هم میدانند اما مثلی است معروف که دروغ
مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز « و اما لحان ساز-
نده » ارگان کارگری حزب جمهوری اسلامی هم در همین
رابطه در سر مقاله اولین شماره روزنامه اش گفته

خود مدعی برعهده گرفتن آن است شانه خالی کند و از بر-
داشتن حتی يك قدم درجهت رفع یکی از مشکلات میلیونها
نفراز کارگران وزحمتکشان ایران طفره برود -

* آقای وزیر برای فریب کارگران، برای جلوگیری
از آگاهی بر وسعت سیاه خود و نیروی اتحاد این لشکر
میلیونی کارگران وزحمتکشان نیز دروغ میگوید . او
میگوید تا با " محدود " و کوچکتر جلوه دادن مشکل -
بیکاری، همین تصور را هر کارگران ایجاد که گویا -
انها میتوانند بدون اتحاد و مبارزه بر این مشکل -
غلبه کنند و زندگی خود و خانواده هایشان را از خطر مرگ
و گرسنگی و بیماری و در بدری و از هم پاشیدگی نجات -
بخشدند و تامین نمایند .

* و بالاخره ایشان دروغ میگویند تا برای سرکوب -
کارگران وزحمتکشان بیکاری که با شدت یافتن بیش -
از پیش مساله بیکاری جانیشان بلبان رسیده و عنقریب -
بپا خواهند خواسته زمینه لازم را فراهم کنند .

آقای وزیر میگوید : " من فکر میکنم که یکی از ریشه های
جنگ و دامن زدن به همین بیکاری است یعنی امریکایی -
خواسته است که با بوجود آوردن این جنگ برای گرفتن

و ما بیافزاید " (جمهوری اسلامی و آنرا)
با این ترتیب تکلیف روشن است و امریکا جنگ را بوجود
آورد که به بیکاری دامن بزند و بنا بر این هر کس که در
مقابل بیکاری میلیونی جانفروشی برسد و اعتراض کند و به
اهداف امریکا خدمت کرده و در خط امریکا و بنا بر این

" مهد ورا لاسدم " و " مفسد فی الارض " است و ریختن خونی
واجب . آقای وزیر با این دروغ " کوچک " و این " حق "

را برای رژیم جمهوری اسلامی بوجود می آورند که کارگرا
- ن وزحمتکشان را که برای حق حیات خود مبارزه میکنند
تحت عناوین عده ای " ضد انقلاب " و " مزدور " و " آلت
دست " و " ستون پنجم آمریکا و بیعت عراق " و " فریب
خورده " و ... بکلی و خون بکشد .

چنین است مصلحتها و دروغگویی آقای وزیر و منافعی
که ایشان برای دروغ گفتن دارند . اما اگر آقای وزیر
تصور میکنند با چنین دروغگویی ها و عوام فریبی های ناخیا
- نه و احمقانه ای میتوانند از مبارزه کارگران و زحمت
- کشان قهرمانی که سلطنت شاه را با همه کبکبه و دبدبه
- از به زیاده دان تاریخ انداخته اند و جلوگیری کرده
کور خوانده است و اگر رژیم شاه و همه رژیم های سرمایه داری
و مرتجع توانسته اند از چنین عوام فریبیها و دروغگوییها -
طرفی ببندند، ایشان رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهند بست .

۲۴ ←

است که دروغی که منقبت داشته باشد به گفتنش می آزد
و عمل صالح حساب می آید بنا بر این اجازه بدهید
ببینیم مصلحتها و چنین دروغ را راست یا شاخ و برگ
چیت وجه منفعتی برای آقای وزیر و رژیم و نلامی که
ایشان کمر خدمت بدان بسته اند دارد : آقای وزیر
دروغ میگوید تا بیکاری وسیع و میلیونی کارگران را

بجنگ نسبت دهد و علت اصلی و اساسی آنرا که نظام سر
سایه داری و بحران این نظام است برده پوشی کند
آقای وزیر میگوید که امار ۵۰۰ هزار بیکار متعلق -
به قبل از جنگ است . اما در مورد بیکاری پس از شر
- ع جنگ هیچ نمیگوید و تنها بر افزوده شدن بر این
تعداد بدلیل آنکه تعدادی از کارخانجات ما توسط

رژیم بعث عراق بمباران شده است اشاره میکند و
علاوه بر اینکه هم اکنون بطور ضمنی بیکاری میلیو
- نی را که کارگران وزحمتکشان آنرا با پوست و گوشت
خود و با تجربه روزمره خود لمس میکنند به جنگ
نسبت میدهد دست خود را برای آینده باز میگذارد

تا در صورتی که کارگران وزحمتکشان او و دولت
سرمایه داران را وادار به اعتراف به ابعاد واقعی
مساله بیکاری کردند هر چه بیکاری میلیونی را به
جنگ نسبت دهد . اما تنها آقای وزیر و دیگر چاکران
و مشائخ گران سرمایه به برده پوشی این واقعیت
بپردازند که جنگ تنها موجب تشدید بیکاری وسیع
و میلیونی کارگران شده است و این بیکاری از منتهای
قبل و از زمانی که نظام سرمایه داری تحت سلطه

امپریالیسم ایران را بحران فراگرفت وجود داشته است ؟
آقای وزیر میگوید تا با دروغگویی و ناتوانی و ورشکستگی
رژیم جمهوری اسلامی را در و با سخگویی به ابتدائی ترین
نیاز میلیونها نفر ، به نیاز حیاتی معاشی میلیونها -
بیکار روخا نوا ده ها ایشان برده پوشی کند . ایشان دروغ
میگوید تا رژیم جمهوری اسلامی را از سرکوب کارگران -
بیکاری که نسبت به اعتراض و مبارزه بر علیه بیکار زده
بودند و از جنا پارتی که مرتکب شده است ، از مسئولیت فقر
و فاقه ، در بدری و بی خانمانی ، گرسنگی و بیماری و ... و
هزاران بلیه دیگر که بر اثر بیکاری دامنگیر میلیونها
نفر شده است ، تبرئه کند و رژیم جنا پارتی دیگری یعنی

رژیم عراق را مسبب این تبهکاریها و جنایات و انمود کند
و نونک تیز مبارزه قهرمانانه کارگران وزحمتکشان را که -
میدانست مستقیما بطرف او نشانه رود و بسمت رژیم ضد -
کارگرو ضد مردمی عراق که کارخانجات را بمباران -
میکند - منحرف کند .

* آقای وزیر همچنین دروغ میگوید تا از مسئولیتی که

کارگرا! کارگرا! بر علیه بیکاری، اتحادی مستحکم
سازمانی رزمنده، ایجاد باید گردد!

آقای وزیر ادامه می دهند : " در زمینه رفع مشکل بیکاری هم اکنون یکی از برادران متخصص برادری که تز دکترای خود را در این زمینه گذرانده است با من به وزارت کار آمده و مشغول بررسی برای این مورد است و امیدواریم که در این زمینه طرح نوینی داشته باشیم .

چند نکته در سخنان ایشان قابل توجه و دقت است : اول آنکه معلوم میشود که آقایان مکتبی ها هم با تخصص میان خوبی دارند و بموقع خود ویرا و آنکه از "فر" توده ها و ابتکارات انقلابی آنها و از چنگ مبارزات آنها - خوش گردند و از شرکت آنها در تعیین سرنوشت خود جلوگیری کننده نه تنها تخصص را چیزی نمی دانند بلکه حاضرند به " بهترین " شکلی از آن استفاده کنند و معلوم میشود تنها دعا و دعاها و این آقایان با لیبیرالها بر سر "تخصص" یا " مکتب " نیست بلکه بر سر داشتن دست بالاتر قدرت ویر سرچونگی استفاده از "تخصص" یا "مکتب" در سرکوب - توده ها و در برابر انداختن جرخهای زندگی زده و از کار افتاده

نظام سرمایه داری است مجالب اینجاست که وزیر کار که در ابتدا و این مصاحبه عوام فریبانه از " برادران کارگر و کارمند " برای " جبران " کمبود فرصت " مسئولین و - تخفیر قوانین کما خواسته بود ، در اینجا ترجیح میدهد عوام فریبی را فراموش کرده و بکناری بگذارد و با طرح - متخصص بودن برادرکذایی و دکترای داشتن او و " وعده - داشتن طرح نو " ، توده ها را از خالص تعیین سرنوشت خویش و از عمل مستقیم برای حل مساله بیکاری بازدارد . نکته دوم اینکه " میر محمد صادقی " نشان میدهد که در حال فرا گرفتن فن - و فن " سیاستمداری " است و با بعد از دیگر کارگران او را و دار کرده اند که به " سیاست بازی " روی آورد و اگر چه حقوق کارگران راهیچگاه -

نبول نداشته و در جهت اجراء آن گامی بر نخواهد داشت - اما در حرف این حقوق را بر رسمیت بشناسد . او بر عکس رجائی که تنها عوام فریبانه خود برای بیکاری را " تعاونی " اعلام کرده بود و آب پاکی را بر دست همه کارگران و زحمت - کشان بیکار ریخته بود با طرح بررسی " برادر متخصص " و " داری و دکترای " و وعده داشتن " طرحها و نو " و مقداری کلی با فی ها و دیگر ، میکوشد تا حتی الامکان توده ها را در بیم و امید نگه داشته و امیدواری به اینکه " دولت حامی مستضعفین " و " دولت مکتبی " خود برای حل مشکل بیکار ی آستین بالازده است را در بین توده ها زنده نگه داشته و دامن بزند و با وعده و وعید از خیزش قریب الوقوع توده ها جلوگیری کرده و با حداقل آنرا بتاخیر بینا نندازد .

اما علیرغم اختلاف فوق الذکر ، ایشان نیز در بهیچ - گرفتن سرنوشت و زندگی میلیونها بیکار روفرزندان و خانوا - ده ها یشان با نخست وزیر محبوب و مکتبی شان اشتراک دارند در واقع آنچه که مشکل آقای وزیر و نخست وزیر و همه ما یادی و کارگران سرمایه بشمار میرود مشکل بیکاری از جنبه - فقره فلاکت و گرسنگی و بی خانمانی ، بیماری و دریدری میلیونها نفر نیست بلکه مشکل بیکاری از جهت عاقل و باطل ماندن و استثم شدن نیروی کار میلیونها نفر ، بکار نیفتا

- دن سرمایه ها و جرخهای سرمایه داری و تولید سود نکردن کارگران سرمایه ها است . چرا که اگر جز این بود آقای - نخست وزیر و وزیر و همه مسئولان و مقامات در طی همه مصاحبه ها و رنگارنگ مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی خود ا قلا - کلمه ای هم راجع به سرنوشت این میلیونها نفر می گفتند و مشخص میکردند تا زمانی که " متخصصین " در این مورد نثار بدهند و احیا ناطرح نوینی در این زمینه داشته باشند ، سرنوشت آنها چه خواهد شد و آنها چگونه باید زندگی خود را تا مین کنند . دقیقاً در رابطه با مهم بودن بیکاری از همین جهت یعنی از جهت برآه افتادن جرخهای سرمایه داری و سودآوری کردن سرمایه و تولید است که آقای وزیر و ... ترجیح میدهند یا " متخصص را - کسی را که داری " دکترای اشتغال " (به نقل از " جمهوری اسلامی ") است و باید - این دکترای از کشورهای سرمایه داری امپریالیستی اروپا و آمریکا گرفته و متخصص در برابر انداختن صنایع و ایجاد - اشتغال در چهارچوب حفظ و تحکیم نظام سرمایه داری است - ما مور بررسی طرحها بی برای " تحقق بخشیدن " به " اشتغال - ل کامل " کنند و خود بیکاران ، خود کارگران بیکار و خود کارگران و زحمتکشان را در این مساله دخالت ندهند . چرا که دخالت دادن بیکاران در چنین اموری - کاری که - ایشان نه میخواهند و نه میتوانند که انجام دهند - به معنا و ارائه راه حلها و تهیه طرحهایی است که نه به - مساله تولید و سود آوری - یا حداقل نه صرفاً به مساله تولید و سود آوری - بلکه به مساله بیکاری و عدم تأمین زندگی میلیونها نفر پرداخته و برای این مشکل جاره ای بیندیشد . دخالت دادن بیکاران در چنین اموری در - درجه اول بمعنا و ارائه راه حلها بی خواهد بود برای حل مساله همیشه میلیونها نفر ؟ بوجود آوردن بیمه - بیکاری ما استفاده رایگان بیکاران و خانواده هایشان از بیمه ها و درمانی ، معافیت آنان از پرداخت مالیاتها و مجانی شدن هزینه آب و برق و هزینه حمل و نقل و خدمات شهری و غیره و آنها و خانواده ها یشان چاره اندیشی برای - مسکن آنها و پرداختن بار پرداخت اجاره خانه از دوششان و برآه انداختن غذا خوری ها و عمومی و رایگان برای - تغذیه آنان و ... و اینها همان چیزهایی است که دولت سرمایه داری - هر دولتی - نه میخواهد و نه میتواند و نه بصلاح اوست که بشکرت آنها باشد و تنها خود بیکاران و در اس و بیسما پینر آنان کارگران بیکارند که می توانند و میبایست برای تأمین معیشت خود و برای تحمیل بار - تأمین معیشت خود به سرمایه داری و دولت سرمایه داری اقدام کنند .

وزیر کار در ادامه میگوید : " اما در حال حاضر هدف ما برسط تعاونی ها است که نوعی فرار از سرمایه داری بزرگ است و شاید این گرایش به ادارات را از بین

ما در شماره ها و آینده " علیه بیکاری " طرح -

ببرد . طرح دیگر بکار گرفتن بسیاری از زمینها و کشت و زرع
- ی است که راگد مانده است " (کیهان ۴ آذر) و
" ... شروع فعالیت شرکتها و تعاونی نیز قابل اهمیت
است ... به کمان من حدود ۷۰ درصد از طرحها و شرکت
ها و تعاونی باشکست مواجه خواهند شد لیکن از این نظر
که جوانان بدینوسیله بجا و گرایش به کارها و ادارای و
نشستن پشت میز به کارها و تولیدی و ترغیب و تشویق می
شوند ... "

حال است که آقا و میر محمد صادق و درحالی که
در همین مصاحبه یعنی قریب یک سال پس از آغاز تشکیل و
فعالیت شرکتها و تعاونی " گفته اند که تنها یک در
عد از بیکاران در طرحها و تعاونی جذب شده اند " (کیهان -
- ۴ آذر) بازم " شروع فعالیت (!) شرکتها و تعاونی
را قابل اهمیت تلقی میکنند و درحالی که خود ائمان
میکند که " ۷۰ درصد از طرحها و شرکتها و تعاونی با
شکست مواجه خواهند شد " بازم هدف خود را در حال حاضر
بسط تعاونی ها اعلام میکنند . آیا این معنایی جز سر
دواندن کارگران بیکاره جزئی توجهی به سرنوشت میلیو
- نها بیکار و خانواده هایشان و سپردن آنها بحسرت فقر و
گرسنگی و بیماری دارد ؟ بنظر ما نه !

اها نکته قابل توجه دیگر صحبتها و آقا و وزیر در
مورد " گرایش به ادارات " و " پشت میز نشینی " است .
بشواص معروف " یکی میمیرد ز سر بدینواشی ... " و " موشه
توی سوراخ نمیرفت جا روهم به دمبش میبست " درحالی
که ادارات ما تورم کارمند دارند بازم بیشتر از سه
میلیون بیکار در این جامعه وجود دارد و درحالی که به
قول خود آقا و وزیر ره رژیم جمهوری اسلامی پس از دو سال
تازه توانسته به ۶۱٪ (۶۱ درصد) و ۵۰٪ (درصدایع)
از ۵۰۰ هزار بیکار " (البته بازم بقول آقا و وزیر)
کار بدهد (به نقل از مصاحبه وزیر کار مندرج در کیهان
۴ آذر) ایمان میخواهند برای " پشت میز نشینی " و
" گرایش به ادارات " هم فکری بکنند . باید به این
آقا گفت " شما قاج زمین را بچسبید ، اسب سواری پیشکشتا
- ن " ، شما فکری برای همین سه میلیون یا بقول خود
تان با نصد هزار بیکار بکنید ، حل مساله پشت میز نشینی
و ... پیشکشتان ، اما لابد آقا و وزیران رهبران " و
" سروران " خود و از جمله از " فقیه عالیقدر و اسید
امام و امت " آیت الله حسینعلی منتظری " برای دادن
چنین راه حلهایی درس میگیرند چرا که ایمان در یکی از
تماز جمعه های معروف فرموده بودند که مساله بیکاری
ناشی از تمایل جوانها به " پشت میز نشینی " و به علت
آنست که جوانها نمیخواهند تن بکار بدهند ! ! و برای

دنباله زیر نویس از صفحه قبل

تشکیل شرکتها و تعاونی را مفضلا و از جوانب گوناگون مورد
بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد و از جمله این
مساله را نیز که این طرح چگونه در واقع نوعی فرار از
سرمايه سالاری بزرگ " است را ، بررسی خواهیم کرد .

حل مساله بیکاری پیشنهاد کرده بودند که " جوانها
بجا و پشت میز نشینی هر یک قطعه زمین با پیری را گرفته و
آباد کنند ! و با چند رأس گوسفند برداشته ، سربصرا
بزنند و به نام مهروری ببرند ! ! ولابد آقا و وزیر بر
طبق همین رهنمود ، بکار گرفتن زمینها و کشت و زرع
راگد مانده را برای حل مساله بیکاری در نظر گرفته اند
که البته اینکه چنین زمینهایی را چگونه و با کدام بذر
و آب ه ماشین و کود و ... می بایست بکار گرفت را هم -
" برادری " که دکترا و خود را در این رشته گرفته است -
حل خواهد کرد و ربطی به بیکاران و کارگران و زحمتکشان
ندارد . و بلاخره لابد آقا و وزیران اینکه پیشینیا نشان
(فرودرو نعمت زاده) از فتواها و آیت الله منتظری
استناده نکرده اند ، افسوس میخورند و آنان را لعنت
میکند ، چرا که در چنین صورتی یعنی در صورت اجرای -

فتواها و مذکوره تا کتون دیگر " نه از تان نشان مانده -
بود نه از تان نشان " ، نه از بیکاری اثری مانده بود
و نه از بیکاری ! !

با اینکه در مورد مصاحبه آقا و وزیر بسیاری چیزها
می توان گفت ، بعلت محدودیت جا و امکانات و برای آنکه
حوصله خوانندگان ما سر نرود ، آقا و وزیر و مصاحبه شان را
رها کرده و اقلامات (؟) دولت مکتبی آقا و رجایی را برای
حل مساله بیکاری دنیاال میکنیم .

پس از این مصاحبه و تا مدتی خبری از بیکار و بیکاری
نه در صحبتها و نخست وزیر ، نه در صحبتها و وزیر کار ، نه
در مناکرات مجلس و ... نیست . اما ناگهان و یکی دوروز -
پس از سخنرانی آقا و رجایی در کنفرانس استاندانان و -
تشکیل دو کمیسیون در هیئت دولت - متشش ...
جمعه ی از و ...

برای بررسی مساله بیکاری و دادن راه حلهایی برای آن
اعلام میشود ! !

براستی چه اتفاق افتاده است ؟ چه شده است که
کا بینه به فکر بیکاران و بیکاری افتاده است ؟ مگر نه
اینکه دولت جز طرح تشکیل شرکتها و تعاونی و برنامه -
دیگری برای حل مساله بیکاری نداشت و مگر نه اینکه
قرار بود " برادر متخصص " طرحها و نوشی در زمینه رفع
مشکل بیکاری را بررسی کند و پس چرا چنین کمیسیونهای
عریض و طویلی برای اینکار تشکیل شده است ؟ نکند دولت
بفکر بیکاران و حل مساله بیکاری افتاده است ؟ شاید ما
اشتباه میکردیم که گفتیم دولت ، مجلس و ... و بطور -
کلی رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند که
برای بیکاری و بیکاران کاری صورت دهد .

نه خیر! نه ما اشتباه کرده ایم و نه اینکه دولت کار عجیبی کرده است! نگاه‌های به اوضاع جامعه و اخبار و رویدادها در رابطه با مسأله بیکاری، علت اقدام دولت را روشن میکند و آقای رجائی نیز در صحبت‌های خود در کنفرانس استانداران پرده از روی این "راز" برمیدارند!

در جامعه، در حول و حوش اعلام این خبر و از مدتی قبل از آن، از یکسو ایجاد بیکاری بدلیل وقوع جنگ بین رژیم‌های سرمایه داری ایران و عراق بیش از پیش وسعت میگیرد تا بدان حد که عوامل و کارگزاران سرمایه در رژیم جمهوری اسلامی نیز همچنانکه دیدیم مجبور به اعتراف به این واقعیت میشوند و میگویند تا از آن بسود خود، برای پرده پوشی ظل واقعی بیکاری، نسبت دادن علت بیکاری وسیع به جنگ و منحرف کردن سمت مبارزه کارگران بطرف رژیم جنایتکار عراق و زمینه‌چینی برای سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان بر طبقه بیکاری استفاده کنند و از سوی دیگر مبارزات کارگران و زحمتکشان بر طبقه بیکاری اوج میگیرد؛ رانندگان مسافرتیهای شخصی در تهران و چندین شهرستان دیگر دست به راهپیمایی می‌زنند و در چند شهر نیز با پاسداران سرمایه درگیر میشوند که در رشت شجر به کشته شدن یک نفر و زخمی شدن چندین نفر میشود. از کرج خبر تحمسن چندین روزه کارگران بیکار در اداره کاریابی میرسد، جنب و جوش در بین جنگ زدگان و آوارگان جنگ و در بین کسانی که بر اثر جنگ بیکار شده‌اند بالا میگیرد و...

این واقعیت، یعنی واقعیت بالا گرفتن موج بیکاری و مبارزه طبقه از آن نظر سرمایه داران و دولت آنان پنهان نمی‌ماند و آقای رجائی در کنفرانس استانداران جز بیان این واقعیت کار دیگری نمی‌کند. اما ایشان در بیان این واقعیت و در برخورد با آن، در ضمن علت برخورد "فعال" دولت با مسأله بیکاری و تشکیل کمیسیون و... را نیز روشن میکند: "مسأله بیکاری بصورت آتش زبرخاکستر پنهان شده است. بنا بر این باید قبل از آنکه بصورت راهپیمایی عرض وجود کنند و حالت‌های دیگر پیدا کنند، برای آن راه‌های مناسبی ارائه شود." (میزان ۵ آذر)

آری بیکاری بعنوان مشکل ملیونها نفر، مشکل کابینه آقای رجائی نیست، اگر فقر و گرسنگی و بیماری و درسداری ملیونها بیکار و خانواده‌هایشان برای وزیر کار مکتبی اهمیت بیشتری از آنکه یک "برادر متخصص" را مأمور بررسی و تهیه طرح برای حل مسأله بیکاری کند، ندارد، اما مبارزه بیکاران برای این آقایان، سرمایه داران و دولت سرمایه داری نمی‌تواند مهم و بسیار هم مهم نباشد و آنها را واداره چاره‌اندیشی نکند. سرمایه داران، دولت سرمایه داری و کابینه رجائی اگر بیکاری ملیونها نفر نه تنها برایشان مشکلی نیست بلکه از آن برای مقابله با توقعات "بیجای" کارگران یعنی مزد بیشتر، تشکیل شورای کارگری، در حالت درمد بریت کارخانه و... و برای حذف سود ویژه یعنی قسمتی از مزد کارگران، برای اخراج کارگران مبارز برای سرکوب مبارزات کارگران استفاده نیسند. اما در مقابل مبارزه کارگران بیکار، در مقابل مبارزه

کارگران علمیه بیکاری نمی‌توانند بی تفاوت بمانند، مسأله بیکاری وقتی که بصورت "آتش زبرخاکستر" در بیاید و آترونی سکه بیکاری وسیع و ملیونی کارگران، یعنی جنبش مبارزه علمیه بیکاری آشکار شود و "بصورت راهپیمایی عرض وجود کند" آنوقت مسأله سرمایه داران و دولت سرمایه داری میشود و دقیقاً برای جلوگیری از اینکه "مسأله بیکاری"، "حالت‌های دیگری پیدا کند" بفرار حلی برای آن می‌افتند! آری این حالت‌های دیگری پیدا کردن مسأله بیکاری یا دقیقتر بگوئیم این حالت‌های دیگری پیدا کردن "جنبش مبارزه علمیه بیکاری" و "مبارزه کارگران علمیه بیکاری" است که سرمایه داران و دولتشان را بوحشت انداخته است و بدنبال آنکه علاج واقعه را قبل از وقوع بنمایند، بفرار چاره جویی افتاده‌اند.

اگر تا دیروز یعنی تا وقتی که جنبش مبارزه علمیه بیکاری اوج نگرفته بود، نیازهای سرمایه و ضرورت‌های بیکاران اختن چرخهای زنگ زده سرمایه داری تحت سلطه ایران ایجاب میکرد با بی‌توجهی به "مسأله بیکاری" از آن در جهت پائین آوردن سطح معیشت کارگران و زحمتکشان و سرکوب مبارزات آنان استفاده شود، اکنون با روح گرفتن جنبش مبارزه طبقه بیکاری، بازم نیازهای سرمایه و سرمایه داری ایجاب میکنند تا به "مسأله بیکاری" جدأ توجه شود و راه حلی برای آن جستجو گردد. اما آیا کابینه آقای رجائی جدأ بفرار چاره جویی برای مسأله بیکاری یعنی مسأله مرگ و زندگی ملیونها نفر افتاده است و آیا میتواند برای این مشکل در جهت نافع کارگران و زحمتکشان چاره‌ای بیابد؟

بشتر ما نه! کابینه مکتبی آقای رجائی همچون کابینه‌های لیبرال قبلی، جز سرکوب و جز فریب کاری نمیتواند و نمیتواند که انجام دهد. این کابینه نیز در درجه اول به سرکوب مبارزات کارگران طبقه بیکاری دست خواهد زد و برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران و برای پراکندن صفوفشان، بسرای کاستن از قدرت مبارزه و اتحاد کارگران تابوتان سرکوبشان کند و بالاخره برای بزرگ کردن سیاست سرکوب و توجیه تراشیدن برای این سیاست، به وعده و فریب متوسل خواهد شد. گوش کنید که نخست وزیر مکتبی رژیم جمهوری اسلامی، در همان سخنرانی چه میگوید:

راهسازی شرکت کنند. اما نظر من بهتر است که ما گاد داشته باشیم و به آنها پیشنهاد کنیم، ولی اگر آنها با نوع کسار مخالف بودند، خوب مسئله خودشان است. به این ترتیب هم مراجعه‌های کاتب بیکاران از بین می‌رود و هم اینکه دیگر کسی نمیتواند ادعا کند که بیکار است و برای کار شپ پول میخواهد، چه اینصورت وظیفه دولت است که به ترتیب اول، مواد و امکانات ضروری زندگی را فراهم آید آنها بکنارد.

دنباله اخبار اخراج ۰۰۰ از صفحه ۸

همگی ما را بسرکار بفرستند، ثانیا همین حالا تکلیف ما را روشن کنند چرا بعد سرخرمن میدهند؟ مبارزات کارگران اخراجی "فلور" برای بازگشت بکار همچنان ادامه دارد (نقل و تلخیص خبر از پیکار ۸۷)

روز ۹/۲۶، ۴ تن از کارگران تعمیرات مارون در جلسوی اداره بهره برداری شرکت نفت اهواز، توسط پاسداران بازداشت و سپس اخراج میشوند علت دستگیری آنان، زرد و خورده است که بین این ۴ کارگر و معاون امور اداری شرکت بحلست حذف اسامی آنها از لیست حقوقی کارگران رخ داده. کارگران برای سرکشی به خانواده هایشان که بحلست جنگ به شهرهای دیگر کوچ کرده اند چند روز غیبت میکنند و بهمین علت اسامی آنها از لیست حقوق کارگران حذف میگردد. بعد از دستگیری این ۴ تن بلافاصله از طرف شرکت بخشنامه ای صادر می شود که حکم اخراج ۴ کارگر مذکور را صادر میکند و در آن وقیحانه کارگران را "ستون پنجم" خوانده اند. (نقل و تلخیص از پیکار ۸۷)

شرکت ساختمانی منجنیق (گیلان) دارای ۴۵ کارگر، ۲ نفر از کارگران را اخراج میکند، کارگران هم برای اعتراض به این عمل مانع خاکریزی می شوند. مدیر عامل از پاسگاه جمعه بازار کمک میگیرد. در این مبارزه کارگران قدامی از کارگران جدید (اخراجی) حمایت میکنند. مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد. (نقل خبر از پیکار ۸۶)

روز ۵ آذر در شرکت "بیا" (قائم شهر) شایع می شود که کارفرما میخواهد ۱۲۰ نفر از کارگران را اخراج کند. به همین علت شورای کارگری کارخانه از کارگران دعوت میکند تا روز ۹/۱۰ گرد هم آیند. در این روز یکی از نمایندگان افشاکاری کرده می گوید "دوستان کارگرا کارفرما تا حالا از ما کار کشیده و جیب خود را پر کرده است ولی حالا میخواهد در این موقعیت حساس که گرانی و بیکاری در سراسر ایران بیداد میکند ۱۲۰ نفر از ما را اخراج نماید. سرمایه داران فقط بدنبال سود میگردند آنها هر وقت استفاده شان را از وجود ما بردند و دیگر به ما احتیاجی نداشتند ما را بیرون باندازند ولی دیگر آقای خرسندی (کارفرمای شرکت) و امثال او کور خوانده اند. کارگر ان دیگر آگاه شده اند و به این سادگی زیر بار ظلم نمیروند کارگران بقدرت خود پی برده اند، آنها فهمیده اند که اگر بسا هم متحد باشند میتوانند سرمایه داران را نابود کنند. حال اگر کارگران در این شرکت دست برد ست هم در هم و متسد و یکپارچه در مقابل کارفرما بایستیم، او را به زانو در خواهیم آورد." بعد از سخنان این نماینده مبارز چند تن از کارگران آگاه درباره اهمیت و نتیجه اتحاد کارگران صحبت کردند. روز

۹/۱۲ نیز شورا مجددا کارگران را به گرد همایی دعوت کرد تا باز توطئه کارفرما را افشا کند. کارفرما از پاسداران کمک میخواهد، یکی از کارگران در جواب پاسداری که میسگوسید "شنیده ایم در این کارخانه ضد انقلاب نفوذ کرده و کارگران را به شورش وامیدارد" میگوید "ما ضد انقلاب نیستیم! ضد انقلاب کارفرماست که حق ما را میخورد و میخواهد در این سرمای زمستان ما را بیرون اندازد. ما کارگران بودیم که قسیم کردیم، شاه خائن را فراری دادیم و اسلحه را بدست خود دادیم حالا چگونه است که تو با این اسلحه از منافع سرمایه داران دفاع میکنی؟ در آخر کارگران میگویند یا همه ما را بیرون کنید و یا همه باید کارکنیم. کارفرما و پاسداران در مقابل اتحاد کارگران مجبور به عقب نشینی شده و میگویند فعلا تا زمانی که برف بیاید همگی کارکنید. (نقل و تلخیص خبر از پیکار ۸۶)



علیه بیکاری را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید!

دنباله دروغ مصلحت آمیز ۰۰۰ از صفحه ۲۶

این آقا باکمال بیشرمی دروغ میگوید. ایشان درحالی که وزیرکار کابینه خودشان به ۵۰۰ هزار بیکار در قتل از جنگ و تشدید بیکاری بر اثر جنگ اذعان کرده است باز هم از تقاضای کار کاذب صحبت میکند. ایشان درحالی که رژیم می که ایشان نخست وزیری کابینه اش را بعهد گرفته است، هزاران کارگر و زحمتکش را که از سر بیکاری و بر اثر فشار فقر و نداری به دهک داری پناه برده بودند از این تنها مرمعاششان محروم کرده است و مقاومت آنان را برای دفاع از حق حیات خود و حشمانه سرکوب کرده، اکنون باکمال بیشرمی از بیکاری کاذب و از تقاضای کار کاذب صحبت میکند. آیا این دروغگو بی بشیرانه و این وارونه جلوه دادن حقایق معنایی جز آماده کردن زمینه برای سرکوب بیکاران و سرکوب مبارزکارگران علیه بیکاری دارد و میتواند داشته باشد؟ پاسخ را کارگران و زحمتکشانی که در طی دو سال گذشته با بیکاری دست بگریبان بوده و یا خطر بیکار شدن تهدیدشان میکرد است کسانی که برای حق حیات خود و خانواده هایشان بسیار زه کرده اند و سیاستهای جمهوری اسلامی را با پوست و گوشت خود لمس کرده اند، بهتر از هر کسی میتوانند دانند.

کارگران و زحمتکشان قهرمان!

رژیم جمهوری اسلامی همچون هر رژیم سرمایه داری دیگر پاکابینه های رنگارنگ لیبرال و مکتبی خود نشان داد است که نه میخواهد و نمیتواند که برای بیکاری، برای مشکل میلیونها بیکار و خانواده هایشان چاره ای بیندیشد. این رژیم تنها زمانی بفرگ مساله بیکاری میافتد که با مبارزه شما بر طبعه بیکاری مواجه شده باشد. این رژیم خواهد کوشید تا صفوف شما را با وعده های تشکیل کمیسیونها و اعلام طرحهای غوا مفریانه و ۰۰۰ پراکنده و آتش مبارزه شما را خاموش کند و با سرکوب مبارزات دلیرانه و برحق شما، شما را از پیگیری خواسته هایتان منصرف نماید. این رژیم تنها زمانی در مقابل خواسته های برحق شما عقب نخواهد نشست که مبارزه متحدانه شما او را وادار کرده باشد، بنابراین بپاخیزید و در صفوف متحد برای خواسته های برحق خود، برای خواست تسامحین معیشت خود و خانواده هایتان، برای خواست ایجاد کار با شرایط مناسب، برای خواست ایجاد بیمه بیکاری، برای خواست تامین بیمه بهداشتی و درمانی برای بیکاران و ۰۰۰ مبارزه کنید. شما که اولین طلیعه های مبارزه تان بر طبعه بیکاری و تنها خطر اوچگیری و حاد شدن این مبارزه، رژیم جمهوری اسلامی را متوحش کرده و به چاره جویی واداشته است اجرای خواسته های خود را تا بآخر پیگیرانه دنبال کنید و اجازه ندهید تا رژیم جمهوری اسلامی با وعده و وعید شما را بفریبد و بخاطر داشته باشید که تنها مبارزه شما، اتحاد شما و تشکل شماست که میتواند وضع زندگی شما را بهبود بخشد.

کارگران بیکار!

بیش از دو سال تسلط دست بگریبان بودن با بیکاری و عوارض خانمانا برانداز آن فقر، گرسنگی و ۰۰۰ و بیش از دو سال مبارزه بر علیه بیکاری باید بسیار چیزها بشما آموخته باشد، باید آموخته باشد که رژیم جمهوری اسلامی جز فریب و سرکوب بیکاری شما کار دیگری نمیتواند انجام دهد و نمیتواند این رژیم را بعقب نشینی وادار کند، باید آموخته باشد که تنها مبارزه متحد و متشکل شما میتواند نتایجی در جهت بهبود زندگی شما بهمراه داشته باشد و با لآخره تجربه دو سال گذشته باید بشما آموخته باشد که نیروی شما بتنها برای آنکه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را تحت فشار تعیین کننده قرار دهد کافی نیست و شما در این راه میبایست در جهت متحد شدن با کارگران شاغل و برای پیشبرد مبارزه ای متحد علیه بیکاری کام بردارید بنابراین این صفوف خود را متحد کرده و برچم مبارزه علیه بیکاری را برافرازید و در ستان خود را برای اتحاد با کارگران شاغل در مبارزه علیه بیکاری دراز کنید و آنان را برای وحدت و برای پیشبرد مبارزه یکپارچه علیه بیکاری دعوت کنید.

کارگران شاغل!

دو سال گذشته همچنین برای شما نیز تجارب گرانیهایی بهمراه داشته است. در طی این مدت بیکاری همچون خطری بسرن بالای سر شما در پرواز بوده است. سرمایه داران و دولت سرمایه داری از بیکاری و از وسعت لشکر بیکاران هموار برای جلوگیری از مبارزه شما، برای جلوگیری از افزایش مزد شما برای جلوگیری از خالت شما در امور کارخانه، برای جلوگیری از تشکیل شوراهای سندیکاها و مبارزه شما و در یک کلام برای سرکوب مبارزات برحق شما و باز پس گرفتن دستاوردهای قیام پرشکوه بهمین، به بهترین وجهی سود برده اند.

در طی این مدت همچنین سرمایه داران و دولت سرمایه داران ظیغم تمامی ادعاهای خود در مورد حمایت از مستحقین کوب چکترین گامی در جهت تامین زندگی برادران و خواهران بی کارتان برنداشته و خرج آنان را بردوش شما انداختند و این شما بوده اید. و هستید که عملاً مجبورید خرج بیکاران و خانواده ده هایشان را از مزد ناچیز خود تامین کنید. اکنون بیکاری بیش از پیش وسعت میگیرد و بیش از پیش به خطری جدی برای برادران و خواهران بیکار و مبارزتان را که برای پیشبرد مبارزه ای متحد بر طبعه بیکاری بسوی شما دراز شده است محکوم بقتلاید و بطوریکه چاره علیه خطر بیکاری برای خود، علیه سوء استفاده سرمایه داران و دولت سرمایه داران از بیکاری برای سرکوب مبارزه تان و براعتامین معیشت خواهران و برادران بیکارتان و خانواده هایشان مبارزه کنید.



دنباله مبارزه علیه ۰۰۰ از صفحه ۱۰

اما همانطور که دشمنان پرولتاریا در هر زمان و در هر شکل و لباسی از مقابله کردن با مبارزات توده‌ها دست نمی‌کشند و نمایندگان خود را بدین منظور به صفوف پرولتاریا می‌فرستند این بار نیز نمایندگان بورژوازی در صف کارگران تحت عنوان منشویکها به مقابله با تشکیلات بیگاران برمیخیزند تا آنرا در هم ریخته و از حد اقل رشد و جلو گیری کنند .

۵ - منشویکها چه رهنمودی می‌دانند ؟!

آنها در مباحث خود پیرامون این مسئله می‌گفتند: شورای بیگاران تحت رهبری منشویکها کارگران را به انجام یک عمل زود رس تحریک میکنند . این شورا یک بن بست بلشویکی است که موفق نخواهد شد زیرا که چنین تشکیلاتی قبلاً نیز بوجود آمده بود ولی سرکوب گردید . انتخاب نمایندگان از کارخانجات و معادن برای شورا و بیگاران و احیای شورای نمایندگان کارگران میباشد . منشویکها با حمایت سازمانهای قوی کارگری که در مناطق مختلف بوجود آمده بودند ، توانستند بخوبی در برابر این نظرات منشویکها و نظرات دیگری مانند تخطئه راه - حل بلشویکی بدلیل بوجود آوردن این تشکیلات بوسیله رهبران کمونیست ، نه خود کارگران در جریان مبارزه خود بخود پیمان ، مربوط نبوده مسئله بیگاری به کارگران ان شاغل و اکونومیستی دانستن این تشکیلات آنها را - این استدلال که در موقعیت آنروزجا همه روسیه یعنی سال ۱۹۰۶ ، کارگرانی که تحت رهبری حزب کمونیست بودند - نیایستی به مسائل اقتصادی طبقه کارگر نظیر بیگاری - ترین توده‌های کارگران باری رسانند .

آموزش انقلابی لنین به حرکت رهبران شورا و بیگاران جهت درستی داده و آنها را به ضرورت اتحاد کارگری یعنی اتحاد کارگران شاغل و بیگاران در مقابله با بیگاری میرساند و نشان میدهد که چگونه باید در قبال سیاست‌های رژیم سرمایه‌داری که مشخصاً برای سرکوب پرولتاریا اتخاذ میشود مقابله کرد .

بلشویکها با شناختی که در آن شرایط خاص بدست آورده بودند توانستند با ایجاد تشکیلات انقلابی شورا - بیگاران بخوبی در آن مقطع معین به ضرورت مبارزه طبقه بندی پرولتاریا پاسخ دهند .

بپردازند و به اصطلاح طبقه را از مبارزه " سیاسی " به مبارزه اقتصادی بازگردانند و ۰۰۰ با یستند و تجربه مبارزه کارگران بطرز بورژوازی در مقابله با بیگاری در مجموع نشان داد که چگونه این شورا در شرایطی که تزار سیاستی برای ایجاد جدائی بین صفوف پرولتاریا اتخاذ کرد تحت رهبری بلشویکها توانست مبارزه بر علیه بیگاری را

و غلیفه مبهم تشخیص داده و آنرا سازماندهی کند . به مسئله بیگاری به عنوان مشکل کل طبقه اعم از شاغل و بیگار مینبهدارد و بیگاری را بعنوان تهدید دائمی برای حتی شاغلها هم محسوب میکند .

چگونه تشکل جدیدی بوسیله بلشویکها با درس آموزی از تجربیات و نقد انحرافات گذشته میتواند بوجود بیاید و با عوامل سرکوب و پاشیدگی آن مبارزه کند . با رهبری بلشویکها ی مسلح به آگاهی طبقاتی و - تئوری انقلابی ، قاندر به شناخت شرایط خاص و واقعیت جامعه و مبارزه طبقاتی بوده و بر مبنای این تئوری ، سیاستها - شی را در ارتقاء مبارزه اتخاذ می‌کند .

تشکیلاتی پرولتری است که بلشویکها آنرا بوجود آوردند به کارگران در مبارزه خود بخود پیمان و این تشکیلات چگونه توانست با عیبها و انقلابی با دولت سر - مایه ، مبارزه کند و در تحمیل خواستها ی برحق خود او را به زانو نهد و برود .

منشویکها با تمام کوششهای خود برای جلو گیری از رفتن نمایندگان بیگاران به دوام و مخالفت با ایجاد کارهای دولتی بدلیل اینکه نمی‌تواند به بیگاران کار دهد و اینکار را به از طریق دولت مرکزی صورت گیرد یا - اکنون این حرکت زود رس است و خلاصه با " تبلیغ " نیست روی دست گذاشتن " سعی میکردند که از فعالیتها ی - بلشویکها در میان کارگران و ایجاد تشکیلات بیگاران - جلو گیری کنند . اما آنها نتوانستند مقابله خویشترا پیش برده و در مناطق کارگری با شکست روبرو شدند و هیچ کسی از آنها حمایتی نکرد و از آنجا که در این میدان حاضر به همکاری در جهت حل یکی از مضامین کارگران نشده ، بخوبی در حضور کارگران افشا شدند ❖

ادامه دارد . . .

اخبار بحران و بیکاری در جهان

بحران عمیق اقتصادی سرمایه‌داری جهانی راد بر گرفته است. کشورهای امپریالیستی در گرداب تورم، رکود، کسری بودجه، گرانی و دست‌وپایمیزندگی. تعداد بیکاران حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی نظیر انگلستان، فرانسه، بلژیک و ۰۰۰ از مرز میلیونها نفر گذشته است. روشن است که بحران اقتصادی سرمایه‌داری وابسته ایران به مراتب شدید تر و وحشتناکتر از کشورهای امپریالیستی میباشد. در شرح ایط بحران سرمایه‌داری جهانی، با رواقب و اثرات و فسر و فلاکت ناشی از بحران، پیش از هر زمان دیگر بدوش زحمتکشان کشورهای تحت سلطه سنگینی خواهد کرد. ماسعی میکنیم از این پس با درج اخبار مربوط به بحران و بیکاری در جهان سرمایه‌داری کارگران ایران راد جریان رشد این بحران و مبارزات کارگران جهان قرار دهیم.

— سال ۸۱ سال تاریک اقتصادی خواهد بود، رشد صنعتی پیش‌بینی شده در سال ۱۹۸۱ به بیش از یک درصد نرسیده و احتمالاً "بمبارت کمتر خواهد بود." تعداد کل بیکاران کشورهای صنعتی از ۲۳ میلیون نفر به ۲۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت.

— دفتر نخست‌وزیری ژاپن تعداد افراد بیکار ژاپن در ماه اکتبر را یک میلیون و صد و سی هزار نفر اعلام کرد که ۲۰۰۰۰ نفر بیشتر از سال گذشته است.

— از اواخر جنگ در عراق، بیکاری کارگران عراقی است که عدد تا "کارگران مناطق نفت‌خیز بوده که بحالت بمباران این مناطق بوسیله رژیم ایران، از کار، بیکار شده‌اند."

— دورنمای نامساعدی نسبت به وضع اقتصادی کشورهای بازار اشتراک در سال ۱۹۸۱ پیش‌بینی میشود. نرخ تورم از ۹/۷ درصد و میزان بیکاری از ۶/۸ درصد نیروی کار، بیشتر خواهد بود.

— اقتصاد سرمایه‌داری انگلستان در رکود بسیار سختی دست و پامیزندگی. پیش‌بینی میشود رکود اقتصادی در سال ۱۹۸۱ به مراتب شدیدتر خواهد شد. در ۱۲ ماه گذشته ۸۰۰۰۰۰ نفر به تعداد بیکاران انگلستان افزوده شد و هم‌اکنون در حدود ۲۲۲۴۰۰۰ نفر یا ۹/۳ درصد نیروی کار بیکار در انگلستان وجود دارد. از سال ۱۹۳۰ تاکنون این تعداد بیکار در انگلیس وجود نداشته است.

— حدود ۱۲۰۰۰۰ نفر بعنوان اعتراض به بیکاری و سیاستهای اقتصادی مارگارت تاچر در شهر لیورپول دست‌پسه تظاهرات زدند. این تظاهرات را حزب پرژواکی "کارگر" انگلستان ترتیب داده بود. در این تظاهرات کارگران اوسر-

۱۲ ←

دنباله گزارشی از ۰۰۰ از صفحه ۲۰

کنید، این اشکالات در گزارشتان بسیار برجسته بود: تاریخ و امضا نداشت

— خواننده را تمام عیار در جریان کارگذاشته کانون، دستاورد ها و نتایج آن، نیروی فعاله آن، میزان برد نقطه نظرات آن در بین کارگران و ۰۰۰ نمی‌گذاشت.

— در ابتدا از کانون با نام "شورای بیکاران" نام برده‌اید و پائین تر آنرا بنام "کانون" می‌خوانید. ۰۰۰۰۰

— و بالاخره مهمترین مسئله که شما در انتها از آن صحبت کرده‌اید که: "طبعاً بردن برنامه‌های "علمیه بیکاری" هم نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد." از این جمله برمی‌آید که شما بردن برنامه‌های "علمیه بیکاری" را در کانون مد نظر داشته‌اید، اما ما فکر می‌کنیم که شما تنها آنرا "مد نظر" داشته‌اید و هلا تلاشی برای منعکس کردن این نقطه نظرات در کانون انجام نشده است. نمی‌دانیم شما از "بردن برنامه‌های "علمیه بیکاری" چه درکی دارید. ولی ما فکر می‌کنیم تلاش برای اقلان حتی بخش کوچکی از فعالین درگیر در این عرصه بر سر آن فعالیت مشخصی که ما تعریف می‌کنیم و با حداقل منعکس کردن نقطه نظراتمان در این چنین تشکلهایی وظیفه‌ماست.

ما باید با استفاده از تمامی امکانات دموکراتیک کانون، با نطق‌های طنز در مجمع عمومی، بحثهای شفاف، اوراق تهیه‌جسی و ترویجی و هم‌تراز همه بخش‌های بیکاری به تبلیغ‌اید ه‌ها بیان بپردازیم و در تمامی علکرد های کانون شیوه برخورد اصولی و درست را بر اساس نقطه نظرات خود بدانها اتخاذ کنیم. واقعیات را تفسیر نکنیم، بلکه در پی تغییر آن باشیم و چگونگی تغییر آنرا نیز منعکس سازیم. اما در گزارش اینگونه بنظر میرسد که شما ناظر بی طرفی بود‌اید و یا حتی اگر در "طرفی" جای داشته‌اید مسیر خود بخودی حرکت "کانون" را پذیرفته‌اید. بجای آنکه اصولی ترین وظایف آنرا به نقد بکشید.

اگر شما "علمیه بیکاری" را می‌پذیرید باید برای متحقق ساختن اهداف آن مبارزه کنید. این مبارزه راد "کانون" نیز تا هنگامیکه به توان انقلابی آن اعتقاد دارید باید به پیش ببرد. البته نه برای پذیرفته شدن بلاواسطه آنها بوسیله کانون (که بنظر میرسد شما آنرا انتظار دارید) بلکه دستکم برای منعکس کردن دقیق نظرات "علمیه بیکاری" به صورت اگر غیر این بوده است، ما را ملامت نکنید، زیرا در گزارشتان نشانی از چگونگی و نتایج برخورد شما بجز دنباله‌روییتان از "کانون" دستگیرمان نمشد.

با تمامی اینها گزارشتان کمک زیادی به ما و خوانندگان "علمیه بیکاری" نموده است. از شما تشکر می‌کنیم و انتظار داریم کسسه تماسان را با ما منظمتر و سازمان یافته‌تر نمائید، منتظر گزارشهای بعدی و مفصلتر شما هستیم. ♦

موفق باشید

کارگران جهان متحد شوید!